

اخبار کوتاه داخلی

فولاد سیرجان قهرمان نیم‌فصل لیگ برتر والیبال ایران

تیم فولاد سیرجان عنوان قهرمان نیم‌فصل نخست لیگ برتر والیبال ایران را به دست آوردبه گزارش ایرنا هفته پانزدهم و پایانی نیم‌فصل نخست لیگ برتر والیبال ایران دیروز به صورت متمرکز به میزبانی تهران برگزار شد.در مسابقات دیروز تیم‌های فولاد سیرجان،سپاهان اصفهان،شهررداری ارومیه و پیکان تهران حریفان خود را شکست دادند. در سالن فدراسیون، فولاد سیرجان با نتیجه سه بر یک مقابل خاتم اردکان پیروز شد. فولاد با این نتیجه، نیم‌فصل را با ۱۱ برد و ۳۳ امتیاز و قرار گرفتن بر صدر جدول به پایان برد. در مسابقه همزمان، پیکان به دومین برد پیاپی خود دست یافت. شاگردان علیرضا طلیح‌کیان با نتیجه سه بر صفر رایباب ملل کردستان را از پیش رو برداشتند.همچنین شهررداری ارومیه ۳ بر صفر شهررداری قزوین را از سر راه برداشت و سپاهان اصفهان با همین نتیجه هورام راسر را شکست داد. نتیجه بازی هراز آمل و شهدای یزد هم به سود آملی‌ها بود که ۳ امتیاز دیدار را کسب کردند.

حضور دختران وزنه‌دار در پیکارهای جوانان جهان

نایب رئیس زنان فدراسیون وزنه‌برداری گفت: تیم وزنه‌برداری جوانان دختر ایران برای نخستین مرتبه به پیکارهای جهانی در کشور عربستان اعزام خواهند شد. مریم منظمی* در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: اکنون برای دو مسابقه آماده می‌شویم. ابتدا خود را برای رقابت‌های جهانی وزنه‌برداری جوانان جهان که از ۱۵ تا ۲۸ اسفند در عربستان برپا خواهد شد، آماده می‌کنیم. اردوی جوانان در کنار تیم بزرگسالان هم برپا خواهد شد. در این اردو نوجوانان هم حضور دارند و این وزنه‌داران برای اولین بار راهی مسابقات جهانی می‌شوند.

خاطره تلخ فوتبال ایران از ستاره اولسان

ایران – ستاره تیم فوتبال اولسان هیوندای، که قبل از لیاس تیم ملی به کرهجنوبی به ایران گل زد و باعث حذف تیم ملی ایران از جام ملت‌های آسیا و برگزاری بازیهای فینالیستی تیم فوتبال پرسپولیس باید روز شنبه ۲۹ آذرماه در دیدار نهایی لیگ قهرمانان آسیا به مصاف اولسان هیوندای کره جنوبی برود.

یکی از ستاره‌های تیم اولسان یون بیت گارام بازیکن ۳۰ساله‌ای است که ۹ سال قبل وقتی که ۲۱ ساله بود به عنوان یکی از پدیده‌های فوتبال کره جنوبی در تیم ملی این کشور در بازی یک چهارم نهایی جام ملت‌های آسیا ایران و کره در دقیقه ۱۰۵ با شوتی غیر قابل مهار از پشت محوطه جریمه با پای چپ، مهدی رحمتی را تسلیم کرد و تیش را روانه مرحله نیمه‌نهایی کرد. در آن دوره از مسابقات اقیانین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران بود و بعد از این مسابقه از کار برکنار شد.

تیم‌های والیبال جوانان و نوجوانان ایران سهمیه جهانی گرفتند

تیم‌های والیبال جوانان و نوجوانان پسر ایران سهمیه حضور در رقابت‌های جهانی سال ۲۰۲۱ را دریافت کردند.

به گزارش فارس، شرایط شیوع و گسترش ویروس کرونا در قاره آسیا و جهان، کنفدراسیون والیبال آسیا را مجاب کرد که رقابت‌های قهرمانی نوجوانان و جوانان آسیا در سال ۲۰۲۰ را برگزار نکندبه همین دلیل، ردهبندی جهانی سال ۲۰۱۹ آسیا ملاک حضور تیم‌ها در مسابقات قهرمانی جهان سال ۲۰۲۱ قرار گرفت و تیم‌های والیبال جوانان و نوجوانان پسر ایران، سهمیه حضور در رقابت‌های جهانی را کسب کردند.

اختصاص ۱۵۰۰ میلیارد تومان به طرح‌های اشتغال یابارگران

معاون رئیس جمهوری و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران اعلام اختصاص ۱۵۰۰میلیارد تومان به از محل صندوق توسعه ملی به صندوق اشتغال و کارآفرینی ایثارگران جهت پرداخت تسهیلات به طرح‌های اشتغال و کارآفرینی ایثارگران خبر داد.
به گزارش سرگزازی ایثار، سعید اوحدی در پی امین نشست شورای معاونین بنیاد شهید با اشاره به اقدامات انجام شده برای حل مشکل درمان ایثارگران گفت: لازم است از حمایت‌های دکتر نوبخت

روحانی: بار مسئولیت در سخت‌ترین شرایط قرن را به دوش می‌کشیم

بقیه از صفحه ۲
موارد بسیاری وجود دارد که از طریق وزارت دادگستری کدام می‌کنم و این گونه نیست که همه موضوعات را رسانه‌ای کنیم.

معمولا کشایاتی که من می‌رسد، اگر نکته قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، آن را به وزیر دادگستری ارجاع می‌دهم و او نیز با توجه قضایه ها، گاهی با شخص رئیس قوه قضاییه صحبت می‌کند، اما در عه فضا به وظایف رئیس جمهوری منحص و روشن است؛ جایی رئیس‌جمهوری می‌تواند به قوه قضاییه قلم بزند، اما هیچ‌گاه به قیود قانون اساسی در حال نقض است که آن هم با تفسیری که در سال ۱۳۹۱توسط شورای نگهبان انجام شد، این اصل بی اثر شده است؛ قیلا مرادای بوده که رئیس جمهوری به قوه قضاییه تذکر داده است و این قوه به شورای نگهبان نامه نوشته و این شورا گفته که طبق اصل ۱۱۳حق رئیس جمهوری است که تذکر و اخطار قانون اساسی بدهد، اما در سال ۹۸توسط شورای نگهبان تغییر کرده و بر مبنای تفسیر جدید این شورا، این ۱۱۳ اثری اثر شده است.

رئیس‌جمهوری گفت:به نظر من وقتی مردم به رئیس جمهوری رای می‌دهند، بر مبنای اصول قانون اساسی است؛ زمانی اصلی چند پهلو وجود دارد باید آن را تفسیر کنیم، اما در زمینه اصولی که روشن و واضح است و در سالهای قبل هم به آنها عمل شده است، باید عمل شود.



آگهی مناقصه عمومی دو م ر حله‌ای خرید انواع یبرینگ باتر فلای ولو (شیر بروانه‌ای) شماره ۹۴۴-۱۱۱۱-۹۹

شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا در نظر دارد انواع یبرینگ‌به تعداد ۱,۳۱۸ عدد و باتر فلای ولو (شیر بروانه‌ای) به ارزش ۱۵۱ عدد-مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای در فروشندگان معتبر خریداری نماید. متقاضیان می‌توانند جهت آگاهی از شرایط مناقصه به سایت این شرکت به آدرس: www.dehkhoda-sugarcane.ir مراجعه و جهت دریافت اسناد مناقصه-از تاریخ ۹۹/۰۳/۲۴ تا لغایت ۹۹/۰۱/۰۳ به نشانی: اهواز- کیلومتر ۲۳ جاده دغاغه شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا- اداره امور قراردادها و فروش، مدیریت بازرگانی (باشماره تماس ۰۹۴۰۶۱۳۳۱۳۶۰) مراجعه نمایند. ضمناً کلیه هزینه‌های چاپ آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا

چراغپور: پرسپولیس می‌تواند اولسان کره را ببرد

براکتو: شانس پرسپولیس و اولسان برای قهرمانی بر اثر است



برائکو ایجاد شد، در ادامه برخی بازیکنان مثل مهدی تراهی، و همه‌باخت‌کنشش به غیر از یک نفر که آن می‌تواند نماینده کره جنوبی را در فینال لیگ قهرمانان آسیا شکست دهد.

جلال چراغپور در گفتگو با ایستنا، درباره حضور پرسپولیس در فینال لیگ قهرمانان آسیا و تفاوت تیم‌های شرق و غرب اظهار داشت: اولین فرقی که تیم‌های غرب و شرق دارند، ژاد است. در این تقسیم‌بندی تیم‌های شرق در گروهی قرار می‌گیرند که دارای عضله‌های سریعتر هستند. نژاد ما (ایرانی) در غرب آسیا استثنا است. ما به طور خاص سبک فوتبالی خودمان را داریم و نژاد ژاپن، چین و کره هم شرایط خاص خودش را دارد. باید پذیرفت فوتبال شرق با غرب از نظر سبک و نوع بازی و نژادی با هم متفاوت است.

وی افزود: پرسپولیس به صورت محضی یک تیم کاملاً ایرانی است، چون از کادر فنی ایرانی بهره می‌برد و همه‌باخت‌کنشش به غیر از یک نفر که آن می‌تواند نماینده کره جنوبی را در فینال لیگ قهرمانان آسیا شکست دهد. در ایران بوده، ایرانی شده، ایرانی است. در نتیجه یک تیم تمام ایرانی با یک فوتبال تمام ایرانی با یک تیم کروی باید بازی کند.

این کارشناس فوتبال ایران در ادامه درباره پیشرفت فوتبال در شرق آسیا هم گفت: سبک فوتبال به این استایل تبدیل بستگی دارد. این استایل هم به نژاد بستگی دارد، اگر ما در منطقه‌ای باشیم که همه بازیکنان ریزناله هستند، ما از استایل اروپای لاین یعنی اسپانیا و پرتغال استفاده کنیم، اما اگر در جایی هستیم که بازیکنان از پاهای بلند بهره می‌برند، تیم‌ها انتظار داشته باشیم که آنها به خوبی دریل بزنند.

یعنی این استایل فوتبالیست‌ها در اروپای شرقی وجود دارد. پس در درجه اول نژاد مهم است.

او در ادامه درباره تفاوت امکاناتی ایران با باشگاه‌های شرق آسیایی گفت: ورزش کره از نظر امکانات و سرمایه‌گذاری تفاوت زیادی با ما دارد. در فوتبال کره بازیکنان خارجی با کیفیتی می‌آیند که این مسائل خیلی روی پیشرفت فوتبال آنها تأثیر دارد. آن چیزی که در اینجا در رشته‌ای انتظار داشته باشیم که آنها به خوبی دریل بزنند، می‌شود بازیکنان ما بهتر بازی کنند. به همین خاطر تک ستاره‌هایی از فوتبال ایران در فوتبال اروپا بازی کرده‌اند.

پرسپولیس از این حصلت بهره می‌برد.

چراغپور درباره وضعیت حال حاضر پرسپولیس هم گفت: بعد از تغییرات کادر فنی پرسپولیس که با جدایی

آمادگی ایران برای انتقال تجربیات ورزشی به عمان

ایرنا- رئیس کمیته ملی المپیک ایران آمادگی کشورمان را برای انتقال تجربیات ورزشی در تمامی رشته‌ها به عمان اعلام کرد.

سیدرضا صالحی امیری که به منظور شرکت در سی

و نهمین مجمع عمومی شورای المپیک آسیا و نشست هیات اجرایی مجمع به مسقط سفر کرده است، صبح دیروز با ادنی یزن بن هیمین بن طارق آل سعیده وزیر فرهنگ، ورزش و جوانان عمان دیدار و گفتگو کرد.

این دیدار که با حضور معاون وزیر در امور ورزش و جوانان عمان و علی نجفی سفیر جمهوری اسلامی ایران و عمان برگزار شد، وزیر فرهنگ، ورزش و جوانان عمان ضمن خوش‌آمدگویی به رئیس کمیته ملی المپیک کشورمان، روابط دو کشور را عمیق و با تاریخ و فرهنگ مشترک توصیف کرد و با اشاره به پیشرفت‌های کشورمان در بسیاری از رشته‌های ورزشی و استقبال از توسعه‌های ورزشی، اظهار امیدواری کرد دو طرف از تجارب و ظرفیت‌های یکدیگر استفاده کنندوی سیاست‌های کشورش را پس از حضور سلطان هیمین در امتداد سیاست‌های سلطان قبیله، سلطان قابوس بیان و ابراز امیدواری کرد که همکاری دو کشور به ویژه در زمینه ورزشی در دوره جدید، به سطح مطلوبی ارتقا یابد.صالحی امیری هم ضمن تشکر از برگزاری این دیدار و تجلیل از شخصیت مرحوم سلطان قابوس و

ورزشی

چراغپور: پرسپولیس می‌تواند اولسان کره را ببرد

براکتو: شانس پرسپولیس و اولسان برای قهرمانی بر اثر است



در فینال لیگ قهرمانان آسیا هم گفت: آیت‌های وجود دارد که اگر کادر فنی پرسپولیس این آیت‌ها را استخراج کند و با بازیروهای تیم هم اطلاعات خوبی استخراج کند، تیم کروی قابل بردن است. اما اگر چشم بسته و سستی، وارد بازی شوند، آنها از فاصله مدافعان و هافبک‌های ما به راحتی استفاده می‌کنند. میان دو دفاع وسط پرسپولیس و دو هافبک میانی، یک فاصله وجود دارد که باید پوشش داده شود. تیم کروی بازیکنانی دارد که به راحتی می‌توانند.

از این فضاها استفاده کنند. دو هافبک میانی پرسپولیس یعنی کمال کامیابی‌ان و میلاد سرکگ، باید نزدیک یکدیگر بازی کنند تا فاصله‌ای بین آنها نباشد. پشت سر آنها هم نباید بین سید جلال حسینی و محمد حسین گدائی‌رادگان فاصله باشد. دو هافبک تیم‌ها باید یکی جلوی دیگری عقب باشد تا میان آنها مرع تشکیل شود. یعنی میان دو مدافع میانی و دو هافبک میانی نباید مرع ایجاد شود. یعنی چیدمان آنها نباید ۲ - ۲ باشد و باید ۱ - ۲ - ۱ باشد.

او در ادامه در پاسخ به این سوال که آیا لغو دیدارهای پرسپولیس در لیگ برتر، کار این تیم را برای بازی فینال لیگ قهرمانان آسیا سخت تر می‌کند یا خیر؟ گفت: بازی با دوپاهای هیچ شانس‌بانی نمی‌کند، هر کرای ندانشت، نه تنها ذوب‌آهن، بلکه بازی با هیچ تیمی در لیگ ایران نمی‌توانست برای پرسپولیس یک پیش بازی باشد. با این حال بازی درون تیمی که پرسپولیس انجام داد برای این تیم خیلی

خط و نشان «بنا» برای حرفان در المپیک توکیو

پخش را این کمیته ملی المپیک ایران می‌کشد. تا همه مردم ببینند المپیک ریو برگزار تر نشان می‌داد اما داور مسابقه یونس احتضار را به حرف نوری داد و بن نوعی تمرکزی در همان ابتدای مسابقه بهم ریخت و نتوانست مبارزه خوبی داشته باشد.

نوری که چندنی پیش به دلیل پیکارهای کشتی فرنگی و آزاد قهرمانی سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا و انصراف بسیاری از تیم‌ها، اتحادیه جهانی کشتی تصمیم گرفت تا جایگزینی افرادی را با در نظر گرفتن جایز نقدی، جایگزین پیکارهای کشتی‌بهرمین اساس و با نظر دانی فنی تیم ملی کشتی فرنگی، حسین نوری و محمدعلی ساروی در روزهای ۸۷ و ۹۷ کیلوگرم به همراه بهروز حسینی برای مربی تیم ملی المپی صربستان شد.

آنچه که مسلم است، قضاوت‌های پرحرف و حدیث چندروز گذشته بود، به طوری که در مبارزه حسین نوری برابر داوید جاکوتنازه در حالی که نوری

بهر تر چون استرس و حواشی بازی لیگ را نداشت و از طرفی تیم را در شرایط مساعد قرار داد.
شانس پرسپولیس و اولسان برای قهرمانی برابر است
ایرنا – سرمربی اسبق تیم فوتبال پرسپولیس گفت: هم پرسپو و هم حریفش در فینال آسیا شانس یکسانی برای قهرمانی دارند.

بسه گزارش روزنا، برانکو ایوانکوویچ صبح دیروز در گفتگوی تلویزیونی، با اشاره به حضور پرسپولیس در فینال رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا اظهار داشت: متأسفانه من در روز فینال نمی‌توانم بازی را ببینم چرا که به خاطر تعطیلات سال جدید میلادی راهی کرواسی می‌شوم اما قطعاً نتیجه مسابقه را پیگیری می‌کنم.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا حسرت قهرمانی با پرسپولیس در فینال آسیا را نمی‌خورد، افزود: ما در آن زمان مشکلات عدیده‌ای داشتیم. من افتخار می‌کنم که دوبار به نیمه نهایی و یک بار به فینال رفتم. پشتمه نقل و انتقالاتی ما در آن زمان بسته بود. به نوبی که بازیکنان جوان ما که لیگ قهرمانان آسیا بیشتر از لیگ داخلی ایران بازی کردند. من خوشحالم که توانستم آن افتخارات را کسب کنم. سرمربی اسبق تیم فوتبال پرسپولیس در مورد این که اگر زمان به عقب باز می‌گشت برای فینال آسیا در سال ۲۰۱۸ تصمیم دیگری را اتخاذ می‌کرد یا خیر، تصریح کرد: اگر می‌توانستم به عقب باز کردم در برخی تصمیمات تجدید نظر می‌کردم. اما برای یحیی کلمحمدی ۱۴ روز دیدارهای تیم را لغو کردم. من هم به فراموشی و سازمان منجر می‌شود. من توانم استراحت مناسبی را برای بازیکنانم ایجاد کنم اما آن زمان شرایط این گونه نبود. فقط دو روز قبل از فینال دیدار سنگینی با سپاهیا داشتیم که تمام فرسایش بازی را از من زمانی که برای این اعزام شدیم سرمربی وقت تیم ملی (کیروش) کتانیای هم به ما سرچ ایجاد شد. یعنی چیدمان آنها نباید ۲ - ۲ باشد و باید ۱ - ۲ - ۱ باشد.

او در ادامه در پاسخ به این سوال که آیا لغو دیدارهای پرسپولیس در لیگ برتر، کار این تیم را برای بازی فینال لیگ قهرمانان آسیا سخت تر می‌کند یا خیر؟ گفت: بازی با دوپاهای هیچ شانس‌بانی نمی‌کند، هر کرای ندانشت، نه تنها ذوب‌آهن، بلکه بازی با هیچ تیمی در لیگ ایران نمی‌توانست برای پرسپولیس یک پیش بازی باشد. با این حال بازی درون تیمی که پرسپولیس انجام داد برای این تیم خیلی

خط و نشان «بنا» برای حرفان در المپیک توکیو

پخش را این کمیته ملی المپیک ایران می‌کشد. تا همه مردم ببینند المپیک ریو برگزار تر نشان می‌داد اما داور مسابقه یونس احتضار را به حرف نوری داد و بن نوعی تمرکزی در همان ابتدای مسابقه بهم ریخت و نتوانست مبارزه خوبی داشته باشد.

نوری که چندنی پیش به دلیل پیکارهای کشتی فرنگی و آزاد قهرمانی سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا و انصراف بسیاری از تیم‌ها، اتحادیه جهانی کشتی تصمیم گرفت تا جایگزینی افرادی را با در نظر گرفتن جایز نقدی، جایگزین پیکارهای کشتی‌بهرمین اساس و با نظر دانی فنی تیم ملی کشتی فرنگی، حسین نوری و محمدعلی ساروی در روزهای ۸۷ و ۹۷ کیلوگرم به همراه بهروز حسینی برای مربی تیم ملی المپی صربستان شد.

آنچه که مسلم است، قضاوت‌های پرحرف و حدیث چندروز گذشته بود، به طوری که در مبارزه حسین نوری برابر داوید جاکوتنازه در حالی که نوری

بودجه عمرانی سال آینده ۱۰۴ هزار میلیارد تومان است

رئیس امور پایش، ارزبایی و اطلاعات مدیریت سازمان برنامه هلاله داد: در سال‌های سلامت ما هم اکنون تا پایان سال آینده بیش از ۶۰ بیمارستان با ظرفیت بالغ به ۱۰ هزار تخت به بهره برداری خواهیم رساند و با اولویت‌های برخی از آنها تا پایان سال به بهره برداری می‌رسند. در بخش حمل و نقل هم به تقر به بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر راه آهن را افتتاح خواهیم کرد و ۱۲۰۰ کیلومتر جدید ۲۵۰۰ کیلومتر راه روستایی و آسفاته و حدود ۱۵ هزار کیلومتر راه اصلی و فرعی روکش خواهد شد. جغتای افزود: علاوه بر این‌ها حدود ۴۵۰ کیلومتر خط دوم راه آهن هم تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. همچنین پروژه های مهمی مثل ۲۵۰ کیلومتر از پروژه راه آهن چابهار – اهلسان – تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد. راه آهن بستان آباد – تبریز- رشت – اتلی و یزد – اقلید ریز هم از جمله این پروژه های این بخش است. وی ادامه داد: در عین حال بخش‌های ۶۰۰ کیلومتر از راه آهن مسال آینده به بهره برداری می‌رسد و ادامه آذرفاه تهران – شمال که قطعه یک آن در انتهای سال ۹۸ به بهره برداری رسید، تا قطعه دوم و نولت البرز که بلندترین تونل خاورمیانه است آن شاله به بهره برداری خواهد رسید. آذرفاد خرم آباد – اراک که ۶۷ کیلومتر است، از آذرفاه منجیل – رودبار و بخش از آذرفاه اصفهان – شیراز با حدود ۲۲۴ کیلومتر هم به بهره برداری می‌رسد.


رئیس امور پایش، ارزبایی و اطلاعات مدیریت سازمان برنامه هلاله داد: در سال‌های سلامت ما هم اکنون تا پایان سال آینده بیش از ۶۰ بیمارستان با ظرفیت بالغ به ۱۰ هزار تخت به بهره برداری خواهیم رساند و با اولویت‌های برخی از آنها تا پایان سال به بهره برداری می‌رسند. در بخش حمل و نقل هم به تقر به بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر راه آهن را افتتاح خواهیم کرد و ۱۲۰۰ کیلومتر جدید ۲۵۰۰ کیلومتر راه روستایی و آسفاته و حدود ۱۵ هزار کیلومتر راه اصلی و فرعی روکش خواهد شد. جغتای افزود: علاوه بر این‌ها حدود ۴۵۰ کیلومتر خط دوم راه آهن هم تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. همچنین پروژه های مهمی مثل ۲۵۰ کیلومتر از پروژه راه آهن چابهار – اهلسان – تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد. راه آهن بستان آباد – تبریز- رشت – اتلی و یزد – اقلید ریز هم از جمله این پروژه های این بخش است. وی ادامه داد: در عین حال بخش‌های ۶۰۰ کیلومتر از راه آهن مسال آینده به بهره برداری می‌رسد و ادامه آذرفاه تهران – شمال که قطعه یک آن در انتهای سال ۹۸ به بهره برداری رسید، تا قطعه دوم و نولت البرز که بلندترین تونل خاورمیانه است آن شاله به بهره برداری خواهد رسید. آذرفاد خرم آباد – اراک که ۶۷ کیلومتر است، از آذرفاه منجیل – رودبار و بخش از آذرفاه اصفهان – شیراز با حدود ۲۲۴ کیلومتر هم به بهره برداری می‌رسد.

رئیس امور پایش، ارزبایی و اطلاعات مدیریت سازمان برنامه هلاله داد: در سال‌های سلامت ما هم اکنون تا پایان سال آینده بیش از ۶۰ بیمارستان با ظرفیت بالغ به ۱۰ هزار تخت به بهره برداری خواهیم رساند و با اولویت‌های برخی از آنها تا پایان سال به بهره برداری می‌رسند. در بخش حمل و نقل هم به تقر به بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر راه آهن را افتتاح خواهیم کرد و ۱۲۰۰ کیلومتر جدید ۲۵۰۰ کیلومتر راه روستایی و آسفاته و حدود ۱۵ هزار کیلومتر راه اصلی و فرعی روکش خواهد شد. جغتای افزود: علاوه بر این‌ها حدود ۴۵۰ کیلومتر خط دوم راه آهن هم تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. همچنین پروژه های مهمی مثل ۲۵۰ کیلومتر از پروژه راه آهن چابهار – اهلسان – تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد. راه آهن بستان آباد – تبریز- رشت – اتلی و یزد – اقلید ریز هم از جمله این پروژه های این بخش است. وی ادامه داد: در عین حال بخش‌های ۶۰۰ کیلومتر از راه آهن مسال آینده به بهره برداری می‌رسد و ادامه آذرفاه تهران – شمال که قطعه یک آن در انتهای سال ۹۸ به بهره برداری رسید، تا قطعه دوم و نولت البرز که بلندترین تونل خاورمیانه است آن شاله به بهره برداری خواهد رسید. آذرفاد خرم آباد – اراک که ۶۷ کیلومتر است، از آذرفاه منجیل – رودبار و بخش از آذرفاه اصفهان – شیراز با حدود ۲۲۴ کیلومتر هم به بهره برداری می‌رسد.

رئیس امور پایش، ارزبایی و اطلاعات مدیریت سازمان برنامه هلاله داد: در سال‌های سلامت ما هم اکنون تا پایان سال آینده بیش از ۶۰ بیمارستان با ظرفیت بالغ به ۱۰ هزار تخت به بهره برداری خواهیم رساند و با اولویت‌های برخی از آنها تا پایان سال به بهره برداری می‌رسند. در بخش حمل و نقل هم به تقر به بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر راه آهن را افتتاح خواهیم کرد و ۱۲۰۰ کیلومتر جدید ۲۵۰۰ کیلومتر راه روستایی و آسفاته و حدود ۱۵ هزار کیلومتر راه اصلی و فرعی روکش خواهد شد. جغتای افزود: علاوه بر این‌ها حدود ۴۵۰ کیلومتر خط دوم راه آهن هم تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. همچنین پروژه های مهمی مثل ۲۵۰ کیلومتر از پروژه راه آهن چابهار – اهلسان – تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد. راه آهن بستان آباد – تبریز- رشت – اتلی و یزد – اقلید ریز هم از جمله این پروژه های این بخش است. وی ادامه داد: در عین حال بخش‌های ۶۰۰ کیلومتر از راه آهن مسال آینده به بهره برداری می‌رسد و ادامه آذرفاه تهران – شمال که قطعه یک آن در انتهای سال ۹۸ به بهره برداری رسید، تا قطعه دوم و نولت البرز که بلندترین تونل خاورمیانه است آن شاله به بهره برداری خواهد رسید. آذرفاد خرم آباد – اراک که ۶۷ کیلومتر است، از آذرفاه منجیل – رودبار و بخش از آذرفاه اصفهان – شیراز با حدود ۲۲۴ کیلومتر هم به بهره برداری می‌رسد.

رئیس امور پایش، ارزبایی و اطلاعات مدیریت سازمان برنامه هلاله داد: در سال‌های سلامت ما هم اکنون تا پایان سال آینده بیش از ۶۰ بیمارستان با ظرفیت بالغ به ۱۰ هزار تخت به بهره برداری خواهیم رساند و با اولویت‌های برخی از آنها تا پایان سال به بهره برداری می‌رسند. در بخش حمل و نقل هم به تقر به بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر راه آهن را افتتاح خواهیم کرد و ۱۲۰۰ کیلومتر جدید ۲۵۰۰ کیلومتر راه روستایی و آسفاته و حدود ۱۵ هزار کیلومتر راه اصلی و فرعی روکش خواهد شد. جغتای افزود: علاوه بر این‌ها حدود ۴۵۰ کیلومتر خط دوم راه آهن هم تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. همچنین پروژه های مهمی مثل ۲۵۰ کیلومتر از پروژه راه آهن چابهار – اهلسان – تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد. راه آهن بستان آباد – تبریز- رشت – اتلی و یزد – اقلید ریز هم از جمله این پروژه های این بخش است. وی ادامه داد: در عین حال بخش‌های ۶۰۰ کیلومتر از راه آهن مسال آینده به بهره برداری می‌رسد و ادامه آذرفاه تهران – شمال که قطعه یک آن در انتهای سال ۹۸ به بهره برداری رسید، تا قطعه دوم و نولت البرز که بلندترین تونل خاورمیانه است آن شاله به بهره برداری خواهد رسید. آذرفاد خرم آباد – اراک که ۶۷ کیلومتر است، از آذرفاه منجیل – رودبار و بخش از آذرفاه اصفهان – شیراز با حدود ۲۲۴ کیلومتر هم به بهره برداری می‌رسد.

رئیس امور پایش، ارزبایی و اطلاعات مدیریت سازمان برنامه هلاله داد: در سال‌های سلامت ما هم اکنون تا پایان سال آینده بیش از ۶۰ بیمارستان با ظرفیت بالغ به ۱۰ هزار تخت به بهره برداری خواهیم رساند و با اولویت‌های برخی از آنها تا پایان سال به بهره برداری می‌رسند. در بخش حمل و نقل هم به تقر به بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر راه آهن را افتتاح خواهیم کرد و ۱۲۰۰ کیلومتر جدید ۲۵۰۰ کیلومتر راه روستایی و آسفاته و حدود ۱۵ هزار کیلومتر راه اصلی و فرعی روکش خواهد شد. جغتای افزود: علاوه بر این‌ها حدود ۴۵۰ کیلومتر خط دوم راه آهن هم تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. همچنین پروژه های مهمی مثل ۲۵۰ کیلومتر از پروژه راه آهن چابهار – اهلسان – تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد. راه آهن بستان آباد – تبریز- رشت – اتلی و یزد – اقلید ریز هم از جمله این پروژه های این بخش است. وی ادامه داد: در عین حال بخش‌های ۶۰۰ کیلومتر از راه آهن مسال آینده به بهره برداری می‌رسد و ادامه آذرفاه تهران – شمال که قطعه یک آن در انتهای سال ۹۸ به بهره برداری رسید، تا قطعه دوم و نولت البرز که بلندترین تونل خاورمیانه است آن شاله به بهره برداری خواهد رسید. آذرفاد خرم آباد – اراک که ۶۷ کیلومتر است، از آذرفاه منجیل – رودبار و بخش از آذرفاه اصفهان – شیراز با حدود ۲۲۴ کیلومتر هم به بهره برداری می‌رسد.



نقض تهران با برق می‌زند

آگهی مناقصات عمومی یک م ر حله‌ای (نوبت اول)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد اجرای عملیات اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع نیروی برق در محدوده عملیاتی مناطق برق هفده شهپور و سینا خود را به پیمانکاران شرایط و اگازر نماید.

شرح مختصری از کار:

نام منطقه برق	هفده شهپور(تجدید مناقصه)	سینا(تجدید مناقصه)
شماره مناقصات	۹۹۰۶۰۶۸۲	۹۹۱۸۰۷۲۰
موضوع مناقصه	اجرای عملیات توسعه واحداث و بهینه سازی شبکه های توزیع نیروی برق	اجرای عملیات توسعه احداث، اصلاح و بهینه سازی شبکه های توزیع نیروی برق (گزارش تابستان ۱۴۰۰)
مبلغ برآورد انجام کار (ریال)	۴,۵۵۰,۶۹۷,۰۹۰	۶,۰۹۱,۸۱۶,۰۳۶
مبلغ ضمانتنامه شرکت در مناقصه (ریال)	۵۵۵,۰۰۰,۰۰۰	۵۲۷,۰۰۰,۰۰۰
مهلت فروش اسناد	از روز چهارشنبه تاریخ ۹۹/۰۳/۲۴ تا لغایت روز دوشنبه تاریخ ۹۹/۰۱/۱۰	تاساعت ۰۷:۰۰ صبح روز دوشنبه تاریخ ۹۹/۰۱/۱۵
تاریخ بازگشت اسناد مناقصه	تاساعت ۰۷:۰۰ صبح روز شنبه تاریخ ۹۹/۰۱/۱۳	تاساعت ۰۷:۰۰ صبح روز دوشنبه تاریخ ۹۹/۰۱/۱۵
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - میدان شهید، ابتدای خیابان پورپروزی آقایی - بومرود دروازه هفده شهر، دروازه منتهی به خیابان سید دیربهره محل گشایش سالن جلسات منطقه	تهران - بلوار معلم - معلم - خیابان شهید آقایی - بومرود دروازه هفده شهر، دروازه منتهی به خیابان سید دیربهره محل گشایش سالن جلسات منطقه

مقرر در فراخوان اصل می‌شود، مطلقاً ترتیب آن داده نخواهد شد.

شرایط گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته نیرو و اموال و برنامه یزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه ریزی) الزامی می‌باشد.

داشتن گواهینامه گشایش حسنی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامی می‌باشد.

سازمان طرح و بودیت آگهی در روزنامه بهروز یا پارتیگان مناقصه می‌باشد.

هر اطلاعات و جزئیات مربوطه را در اسناد مناقصه مبرند جست.

نشانی های کسب اطلاعات بیشتر: سایت شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر www.tavanir.org.ir سایت پایگاه ملی معاملات <http://mportel.tbbt.ir> - پتر ثبت نام مناقصه و مزایده

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

به پیشنهادهای فاقد امضا، به شرط بخودشو و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت



۵۶۳

ضمیمه ادبی هفتی روزنامه اطلاعات

سه شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۹ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۷۲۸



شب یلدا شب راندن دیو تاریک کرونا

۵۲

گنجینه آشنا

دکتر حسین الهی قمشه‌ای



وزن در شعر فارسی

حروف، در زبان فارسی، یا متحرک اند یا ساکن؛ چنان که در کلمه «من» میم متحرک است و نون ساکن و در کلمه منم می‌بینیم که میم و نون متحرکند و میم آخر ساکن در کلمه پایه پ متحرک، الف ساکن، و یا (ی) متحرک است و های آخر (ه) حرفی به حساب نمی‌آید و خود حرکت است. زیرا فقط حرکت «ی» را نشان می‌دهد و از خود حضوری ندارد تا ساکن تلقی شود.

هر حرف متحرک، یک هجا تولید می‌کند، اما حرف ساکن بر تعداد هجا نمی‌افزاید. چنان که کلمه «من» یک هجا و کلمه پایه دو هجاست و کلمه «بروم» سه هجاست و کلمه «است» بیش از یک هجا نیست.

اگر بعد از یک حرف صدادار بلافاصله یک حرف ساکن قرار گیرد، یک هجای بلند تولید می‌شود؛ مانند دل و سر و امثال آن.

اگر بعد از یک حرف صدادار حرف صدادار دیگری قرار گیرد، حرف صدادار اول را یک هجای کوتاه می‌نامند.

برای مثال کلمه «نکن» مرکب از هجای کوتاه و یک هجای بلند است و کلمه «نشود» دارای دو هجای کوتاه و یک هجای بلند است.

ارکان عروضی شعر پارسی ترکیبی از سه نوع هجاست که:

– یک هجای «بلند»، مانند من، که آن را اصحاب عروض یک «سبب» نامیده‌اند.

– دو هجای «کوتاه – بلند»، مانند صنم، که آن را «وُتد» می‌خوانند.

– سه هجای «کوتاه – کوتاه – بلند»، مانند صنمی، که آن را «فاصله» گفته‌اند.

«سبب» و «وُتد» و «فاصله» ارکان سه گانه شعر پارسی‌اند که از ترکیبات گوناگون ولی منظم آنها صدها وزن می‌تواند پدید آید که حدود پنجاه وزن آن تاکنون در شعر پارسی ایجاد شده است، اما می‌توان وزن‌های تازه در عین حال خوش‌آهنگ دیگر از ترکیبات این سه رکن ایجاد کرد.

حال به موسیقی و ضرب برگردیم. هر هجای بلند را با یک ضربه می‌توان نشان داد و یک سکون که بعد از آن در نظر گرفته می‌شود. ما می‌توانیم کلمه «من» را یگویم یک یا با عدد ۱ نشان دهیم و یا با کلمه «دام» که آن نیز یک ضرب است و یک سکون؛ و کلمه «صنم» را می‌توانیم با دو ضرب متوالی و یک سکون نشان دهیم.

چون بعد از هر عدد، یک سکون در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، عدد ۲ دو ضربه و یک سکون است و همچنین کلمه «نشود» را می‌توان با عدد ۳ نشان داد، یعنی سه ضرب متوالی و یک سکون. با همین مقدار آشنایی می‌توانیم وزن یک شعر را در چند صورت نشان دهیم:

«توانا بود هر که دانا بود»

توانا بود هر که دانا بود

بیان موسیقایی ۲ ۱ ۲ ۱ ۲ ۱ ۲

بیان ضربی زبان دادام دام، دادام دام، دادام دام، دادام

بیان عروضی فعو نُ فعو نُ فعو نُ فعو نُ فَعْل
بیان هجایی کوتاه، بلند، بلند (۴ بار) (البته رکن آخر فقط ۲ هجای کوتاه و بلند است)

اصطلاح عروضی و تد سبب، و تد سبب، و تد سبب، و تد

ادامه دارد

شب یلدا؛ شب راندن دیو تاریک کرونا

• شاهرخ تندروصالح



یلدای امسال، یلدای تفتن نیست، یلدای عبور است. توشه یلدای عبور چیست؟ تخمه کم نمک؟ هندوانه توپُر آبدار؟ انار دان شده؟ آجیل و چلسمه و تنقلات باب دندان؟ شیرینی جات خانگی و ارگانیک؟ غذاهای کم چرب پُر کالری؟ آشربه خیال انگیز؟ دیوان شعر و نگاه‌های مظنه زن به اشیاء و دیگران؟!..... امسال در سفره یلدا چه داریم؟

شب یلدا؛ شب راندن دیوهای کرونا

جهان در ظاهر، زیر ضربات مرگبار هیولای کرونا است. این طور که از ظواهر مساله برمی آید، طبقه آبرومند و کم درآمد، هدف مرگ آوری این هیولا هستند. برای راندن این هیولا از صحن و سیرای زندگی تلاش کرده ایم آیا؟ اطلاع داریم که وقت گذرانی‌های معمول، چه هزینه‌های حیاتی – حیثیتی بردوش هوش دلسوزان، طبیبان، تیمارداران و گرفتاران این هیولا گذاشته و می‌گذارد؟

کمی مرور کنیم درس‌هایی را که از فاصله‌گذاری‌ها در ارتباطات گرفته ایم. تا حالا حتماً پذیرفته ایم که ادبیات زندگی در حال تجربه مفاهیم و موضوعاتی است که پیش از کرونا در زندگی روزمره مان جایی نداشت. حتماً دریافته ایم که دیگر نمی‌توان با تفال به دیوان شعر، به تحولی جانانه رسید. تحول، غیرت و عزم و شهامت می‌خواهد. اگر شهامت تحول نداشته باشیم، کشارشدن زمان، بدرهیچ معجزه‌ای را در ما نخواهد کاشت.

حتماً تا حالا دریافته ایم که جای گوهری حیاتی در حدود زندگی مان خالی است. جست و جو کنیم و پیدایش کنیم. با فال شعر و فال قهوه و لم دادن در رایحه‌های خیال پرور، به جایی نمی‌رسیم. عقب افتادگی از روشنائی و بینایی همین است. توی تاریکی، آدم نمی‌تواند قدم از قدم بردارد. روشن کنیم جان مان را و از باُم تاریک تاریکی‌های این یلدای یلداها، نقبی به روشن جان خودمان بزنیم.

هزینه‌های درمان برای مردم کمرشکن تر شده است. دلشکستگی‌ها بیشتر و بیشتر. گویی که مراقبت از ناموس خلقت هیچ است. چنین می‌نماید که فاصله بین پذیرفتن قرنطینه و محافظت حدود وجود، در یک فاصله‌ای به درازنای یلداست. برای ایران ما، هیولای کرونا فجاجی منحصر به فردی رو کرده است. خودبینی و خودستایی بی حدود!

این همان کلاف سردرگم تاریکی هاست که در آن غرقه مانده ایم. بیرون زدن از این تاریکی، اصل نخست محفل یلدای یلداهاست. به احترام طلایه داران هنر بهداشت و درمان کشورمان و برای سلامتی این عزیزان مراقبت کنید.

امشب، شب یلدای پس فرداست

همه به نوعی با تاریکی‌هایی درگیر هستیم که خودمان بذ آن را در جان مان کاشته ایم و کلاف این تاریکی‌های مان، دست و پاهامان را قفل کرده و روح مان را در چنگ گرفته است. در و دیوار گواهی می‌دهد که این هیولا یا به پای کرونا می‌تازاند. خوردن تا زیر خط خرخره، درون آدمی را عفن و تاریک می‌کند. عفونت بی تفاوتی و تزویر و ریاورزی و شپادی و تقلبی، سلول به سلول، تاریکی هایش را چال می‌کند و جسمی که قرار است تاتی تاتی کنان، معابر دوزخ آدم ساز را پشت سر بگذارد، گاراژی می‌شود بویناک:

– این آب و نان و چرخ، چو سیل است بی وفا...

اگر این یلدا، آخرین خط تاریکی زندگی مان باشد، اگر ایستگاه آخر زندگی باشد، آن وقت چه چیزی جز وحشت تاریک در چننه داریم؟! ممکن است ایراد بگیرید که این دیگر چه نوع نگاهی است که این قلم به زندگی و آداب و رسوم دارد؟! صبور باشیم و خودمان ضرورت‌های زندگی مان را بسنجیم.

– گله از چرخ ستمگر بکنم یا نکنم؟

– توی استخر محبت بیرم یا نهرم؟

– دو سه تا پشتک و وارو بزنم یا نرم؟

– حالا پاشو زانو بنداز، ترشی آب آلو بنداز!

– دیس آجیل رو پُر کن پسر!

– نمی‌خواد... بیا بنشین دختر!

از هست و بود و نیست، چه می‌دانیم؟

رعایت آداب بلعیدن تا زیر خط خرخره، هنر نیست! هنر چیزهای دیگری است که هیچکدام از درس هایش را در هیچ دانشگاه و آکادمی ای مفت فروشی نمی‌کنند. هنر متاع حراج نیست. هنر موسیقی تاب آوردن روح در تاریکی شکنی آدم هاست. آدمی که حرف زدن بلد است، اکراه بلد است، آداب دان است، رعایت شناسی بلد است، حد و حدود می‌داند و فروتنی را مصادره طمع نمی‌سازد.

درنگ یلدا:

آیا تا حالا از خودتان پرسیده اید که از جان باورهای پیشینیان خود برای زندگی امروز چه می‌خواهیم؟ شاید بهتر باشد بنشینیم و سلسله‌ای از باورها و رسوم و رسوم خودمان را به همین منوال حلاجی کنیم که کدام‌ها درست و مورد نیاز ماست و کدام‌ها را می‌توان به کاروان خداحافظی سپرد؟ اگر همین الان اراده کنید تا بهترین خاطره از شب یلدای سال پیش را از پستوی خاطرات خود بیرون آورده و با آب و تاب بازگو کنید، به چه خاطره‌ای می‌رسید؟ آن خاطره هر چه که باشد، خود خود شماست. آیا در سالی که گذشت، بر مدار آن خاطره، چه گلی در زمین زندگی خودتان کاشتی؟ خوردن یک قاچ هندوانه و انار و آجیل و اطعمه و اشربه، چه تأثیری بر سلامت شما گذاشته است؟ کدام اتفاق شایسته زندگی تان را رقم زده؟



آن گونه که خاطره جمعی تمدن ما ایرانیان می‌گوید و آن طور که معمول آداب و رسوم گذشتگان ما بوده و بر حسب عرف رایج، پاس داشتن این شب، رسم و رسومی دلنشین را بر ایمان به یادگار گذاشته است. اعضای خانواده، همگی جمع می‌شوند تا جذاب‌ترین معجزه طبیعت زندگی، یعنی زایش نور را ستایش کنند. تا اینجای ماجرا، زیبایی است و جذابیت. اما در عمل این اتفاق می‌افتد آیا؟...

از یلدای سال پیش تا یلدای امسال، چه نقطه‌ای روشن در زندگی مان برجا گذاشته است این گیسوهای طبیعت آسمان که نامش یلداست؟ تأمل کنیم و از خودمان بپرسیم: دوره‌های شلوغ و باران‌بار، چه نقشی در بهتر شدن ما دارند؟ یعنی تحول نیازمند این همه نمایش خودستایانه است؟ چه فضیلتی در بذل و بخشش ته مانده سفره هامان به نیازمندان نهفته است؟

دوره‌های گرانتر از مفت را کنار بگذاریم!

سالی که گذشت، سال ترکیدن بغض شگفتی‌ها و حیرانی‌ها بود. سال تکانه‌های رستاخیزی روح. سال ذره ذره برچیدن بساط تفتن و هیچ انگاری مسئولیت از سفره‌های تجمل و پرسش‌های متوالی از هست و نیست و بود و نمود. سال رعایت، سال تخمین فاصله‌های امن و رعایت امانت حیات. سال جمع کردن کلاف سردرگمی‌های عادت شده. سال ایستادن فراتر از باورهای خیال و سال نم کشیدن طومار موهومات.

یلدای امسال، یلدایی دیگر است. یلدای پرهیز و کناره گرفتن از حاضری زدن در ماراتون نفسگیر تکرار و تفرعن در هیاهوی رنگ و بو و ادکلن‌های تقلبی و تجمل. دیدیم که کرونا نیز شور این بازی را نخواهد: تنظیم رنگ ماسک با پیراهن و شلوار و کت و میل و میز و ماشین. عجب روزگاری! چک و چانه زدن‌های مان بیشتر شده. با راننده تاکسی، با نانوا، با میوه فروش و آجیل فروش و شمع و پروانه‌های مصنوعی و درختی کوچک که رشته‌های رقص نور قشنگ ترش کرده. همنوایی تمدن‌ها و باورها... یاللعجب! اعجاز ذوق عمومی تا همین جاست و بعدش دوباره تکرار ماجراهای نخ نما شده.

یلدا؛ همین دنباله تاریک پس فردا

شب یلدا رازی در خود دارد که اگر از آن رمزگشایی نشود، چیزی را از کف داده ایم و در این صورت، تفاوتی با دیگر کلمات ندارد. رمز یلدا چیست و این راز، امسال قرار است گشایشگر کدام رشته از گره‌های در هم تنیده تاریکی‌های ما باشد؟

یلدای امسال را می‌توانیم سرچای خودمان بنشینیم و بدون هیچ بذل و بخشش دوری‌های مان، دفتر سود و زیان معاملات و ارتباطات خودمان را جلوروی مان بگذاریم و خط به خط برویم جلو: یعنی این خود ماییم که با فاصله سال‌ها سال نوری، از ذات آدمی در گریز هستیم؟



دلنوشته های آهان آهان دار
محبوب صالح علا

۱۴۲

شما به پاییز رونق می دهید!

محبوب من! از آن روز چیزهایی را به یاد نمی آورم که دوست دارم به یاد بیاورم. درحالی که پیش از شما فقط چیزهایی را به یاد می آوردم که وحشت زده ام می کردند.

محبوب من! دوستی داشتم، همین که کوه را می دید می خندید. یکی از همخدمتی هایم در دوران سربازی، هربار دریا را می دید، می خندید. من خودم هربار چشم های شما را به یاد می آورم، می خندم.

محبوب من! روز مبدا آن روزی است که ما عاشق می شویم.

محبوب من! «ادیت پیاف»، ترانه ای از میشل کور را می خواند که در مطلع آن نوشته: نه، من از هیچ چیز پشیمان نیستم.

محبوب من! پاییز می آید تا ما را دلداری بدهد. روزها نه خوب اند و نه بد. واژه ها نه خوب اند و نه بد. همه چی بستگی به شما دارد.

محبوب من! شما به پاییز رونق می دهید. رودخانه ها را رستگاری کنید، و به خرما و مزه های فراموش ناشدنی می بخشید.

محبوب من! من قربانی نبودن شما هستم. و دلتنگی درمن پرسه می زند. بیهودگی زل زده به روزگارم. دوبرنده در دل من آشیانه داشتند. اکنون یکی پر شکسته و مغموم است، دیگری کز کرده درخود. تنها ته مانده ای از من در دوردست های آینه تنها نشسته است.

محبوب من! آگایه از مستندات عشق است. افلاطون اگر بود، پیشنهاد می کرد اکنون که قادر به کشف واکسن پیشگیری نیستیم، هرچه زودتر واکسن ضد تنهایی را کشف کنیم.

محبوب من! آگایه از مستندات عقل و عشق است. در دوران ارسطو، تئاتر مستند کشف نشد. تئاتر مستند، نمایشی خیابانی است. تماشاچیان در پیاده روها می نشینند، هنرپیشه ها خودشان دو دسته می شوند. یک دسته پلیس، یک دسته تظاهرکننده. نمایش با فریاد افلاطون آغاز می شد. افلاطون فریاد می زد.

آگایه مستند عقل و عشق است و نمایش آغاز می شد. پلیس ها کم کم جلو می رفتند. متظاهرین به سرعت عقب می کشیدند. مردی می گفت: صاحب منصب من، پسری دوازده ساله است. ترس ما را رها کند، کارها به سامان می شود.

محبوب من! صنوبرها همیشه آن سوی خیابان هستند، اما هرسال همین که پاییز می شود، اتاق من پر می شود از برگ های زرد.

محبوب من! آن روز را به خاطر دارید؟ از من پرسیدید: شما با من یک نفر چه کار دارید؟ گفتم: ما یک نفر را می خواهیم که شب و روز آگاهش کنیم. شما خندیدید، و کار ما از آن دم آغاز شد. حالا سالهاست کارما این شده که شب و روز نگاهتان کنیم.

ادامه دارد



حسن فرازمند

واکوی سرنوشت واقعی رادیو در ایران - ۶۱

شب یلدا و جدال برسر خوانندگان «مرغ سحر»!

نادر گلچین و تنظیم فرامرز پایور و گل های تازه ۲۰۱ با نوازندگی بیژن کامکار (تنبک) و محمدرضا لطفی (تار) و خوانندگی هنگامه اخوان. محمود خوشنام در این باره گفته است: «از اجرای هنگامه اخوان به عنوان نزدیکترین اجرا به اجرای اصلی این تصنیف یاد می شود. با این حال، در این اجرا اخوان به جای عبارت «خاک توده» از «خاک تیره» استفاده می کند که احتمالا ناشی از سختگیری های ممیزی رادیو در آن زمان بوده است. از سوی دیگر، تنظیم استاد مرتضی پایور برای نادر گلچین، سازبندی متمایزی داشت و به شکل چپ کوک (در ماهر فا) اجرا شده بود و حسن کسائی در سال ۱۳۸۸ این اجرا را بهترین اجرای این تصنیف نامید.»

در سال های اخیر نیز خوانندگان بسیاری این تصنیف را اجرا کرده اند که از آن جمله می توان به بانو سرشار، همایون شجریان، فاضل جمشیدی، شکیلا، سالار عقیلی، فرهاد مهاد و محسن نامجو اشاره کرد.

کیوان ساکت نیز آلبومی به نام دیدار شرق و غرب دارد که نام فرعی آن مرغ سحر است. فاضل جمشیدی در این آلبوم، خوانندگی را بر عهده داشته و از جمله تصنیف «مرغ سحر» را نیز اجرا کرده است. کیوان ساکت همچنین در اجرایی با رکستر ملل که در مهر ۱۳۸۴ در تالار وحدت برگزار شد نیز این قطعه را اجرا کرد که در این اجرا سالار عقیلی خواننده تصنیف بود.

استاد محمدرضا شجریان هم اولین بار در سال ۱۳۶۹ در کنسرتی در دانشگاه برکلی در آمریکا این قطعه را اجرا کرد.

پیش از اجرای کنسرت برکلی، شجریان و گروه همراهش تصمیم می گیرند که از استاد نی داوود - که در آن زمان در «سن خوزه» که از برکلی دور نیست، زندگی می کرد - برای شرکت در کنسرت دعوت کنند. به گفته داریوش پیرنیان، گروه برای دعوت از نی داوود به سن خوزه می رود و آنگاه متوجه می شود که نی داوود، دو روز قبل در گذشته است.

در کنسرت برکلی، شجریان با اندوه فراوان، تصنیف مرغ سحر را برای بزرگداشت یاد نی داوود اجرا می کند که مورد تشویق حضار قرار می گیرد. از آن زمان، شجریان این قطعه را در انتهای بسیاری از کنسرت های خود به عنوان قطعه آنکور اجرا کرد. هیچ یک از اجرای رسمی استاد شجریان، بند دوم این تصنیف را شامل نمی شده است.

معمولا این اجرای استاد شجریان با همخوانی حضار همراه بوده است و از بهترین شان می توان به اجرای کنسرت «همنا با ب» اشاره کرد که بعدا در آلبومی به همین نام نیز منتشر شد.

«مرغ سحر» را خوانندگان غیرایرانی نیز اجرا کرده اند: از جمله هایل علی اف، نوازنده کمانچه اهل جمهوری آذربایجان که در سال ۱۳۸۴ کنسرتی در ایران داد و در ابتدای آن تصنیف مرغ سحر با شعری به زبان آذری و با آواز ضابط نبی زاده اجرا شد. عالیم قاسمف نیز نسخه ای از این تصنیف را با شعری آذری اجرا کرده که مطلع آن گلدی باهارین صداسی [ت] است.

این مبحث بزبنا به درخواست بسیاری از دوستداران ترانه ملی مرغ سحر تا رسیدن به آخرین توضیحات و رفع آخرین شبهات ادامه دارد. دارد این بحث از شب یلدا پیش روی ما و شما نیز طولانی تر می شود!

ادامه دارد

در شماره های قبل برایتان نوشتیم که اختلاف نظرهایی درباره این که بعد از مرحوم تاج اصفهانی، چه کسانی ترانه مرغ سحر را خوانده اند، وجود دارد و خیلی ها نوشته و گفته اند که بعد از تاج اصفهانی، بانو قمرالملوک وزیری این ترانه را اجرا کرده است. در این باره من به منابع متعددی مراجعه کردم که ببینم واقعیت چیست که توانستم نسخه ای از مصاحبه مرحوم استاد مرتضی نی داوود را پیدا کنم که او در این باره آب پاکی را روی دست همه ریخته و اذعان داشته است که: «بانو قمرالملوک وزیری هرگز این ترانه را اجرا نکرده است»

برای پایان

دادن به این بحث، تصویری از صفحه مصاحبه استاد مرتضی نی داوود را در اینجا آورده ام که ملاحظه می کنید. در این صفحه

از روزنامه اطلاعات که آن روزها زیر نظر یکی از شاعران تجددخواه دهه ۵۰ تهیه می شد، از زبان استاد نی داوود، خالق آهنگ مرغ سحر، گفته شده است که: «حالا [۱۳۵۴]، پنجاه سال از ساختن این ترانه می گذرد و این آهنگ را یک شب در خانه ام در خیابان فردوسی، کوچه بختیاری ها (کوچه فردوسی فعلی) ساختم. انگار به من الهام شده بود که این آهنگ جاودانه خواهد شد؛ چون از ساختن آن دچار هیجان عجیبی شده بودم.»

استاد نی داوود سپس در پی سؤال خبرنگار که پرسیده بود این آهنگ را چه کسی خوانده است؟ می گوید: «ملوک ضربایی خوانده است.» خبرنگار از او می پرسد که شما پیش از این، خواننده آن را قمر معرفی کرده بودید. و استاد نی داوود جواب می دهد که: «من اشتباه کرده ام.»

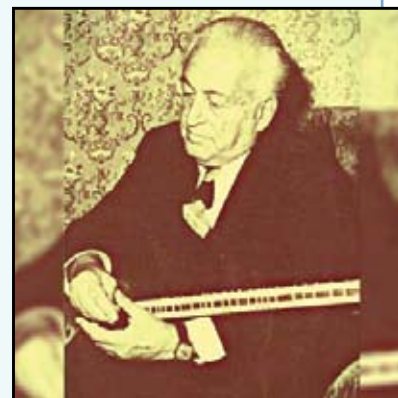
بانو ضربایی هم در مطلب دیگری در همین روزنامه اطلاعات می گوید که خواننده اولیه اثر او بوده و از این که صدای او در رادیو با صدای قمر - که به گفته ضربایی «صدایی لطیف و رسا» داشت - اشتباه گرفته می شده، هم متعجب بوده و هم آن را مایه خوشوقتی خود می دانسته است؛ اما پیام مقدم، از تولیدکنندگان مطالب تاریخی در حوزه موسیقی ایرانی، معتقد است که شخصی که صدایش با قمر اشتباه گرفته می شده، جمال صفوی بوده است. اجرای صفوی در سال ۱۳۰۷ روی صفحه گرامافون (از شرکت کلمبیا) ضبط و پخش شد و در آن حسین استوار نوازنده پیانو، ابراهیم منصوری نوازنده ویولن و شخصی به نام سالاری نوازنده تار بود.

یک هفته پیش از آن نیز روزنامه اطلاعات که گزارشی در باره زندگی و آثار بانو قمر منتشر کرده بود، مصاحبه ای با سه تن از آشنایان نزدیک بانو قمر انجام می دهد، از جمله دکتر منوچهر خسروانی که می گوید: «شگفت است که حتی خود استاد مرتضی نی داوود که سازنده این آهنگ است، قمر را خواننده آن تصور می کند و این اشتباه به کتاب های تحقیقی ارزشمندی مثل «از صبا تا نیما» یحیی آرین پور نیز سرایت می کند.»

وی در ادامه مصاحبه اش یادآوری می شود که: «مرغ سحر را سه نفر خوانده اند؛ یعنی ملوک ضربایی در صفحه پولیفون قمر، دیگری خانم ایران الدوله در صفحه پاته هیز کمپانی مسترزویس و سومی جمال صفوی معروف به «ج-ص» در صفحه کلمبیا سبز رنگ.»

با این حال و به رغم وجود بسیاری از اسناد و مدارک، هنوز هم برسر این که نخستین خوانندگان این ترانه چه کسانی بوده اند، بحث هایی مطرح است. در منابع مختلف اینترنتی نیز که بعضا حاوی نکات اشتباهی نیز هستند، آمده است که:

«تصنیف مرغ سحر، چندبار در برنامه گل ها اجرا شد؛ از جمله در گل های تازه ۱۵۰ با صدای



استاد مرتضی نی داوود



سنت‌ها و شرایط روز

دور از همی یلدایی!

سیدرضا صائمی

بر این اساس، عدم برگزاری آن، شکل دیگری از همبستگی و درک متقابل را رقم می‌زند. چه بسیار خانواده‌هایی که توان مالی برگزاری این سنت را ندارند و در ملاحظات اجتماعی مجبور به تحمل هزینه‌های سنگین برای برگزاری این جشن می‌شوند.

پرهیز از برگزاری مراسم شب یلدا در یلدای کرونا، در واقع پاس داشتن فلسفه و حکمت آن است. پاس داشتنی که امسال در دور هم جمع نشدن محقق می‌شود. امسال با فاصله گرفتن از هم، دورهمی و همدلی را نه از حیث فیزیکی که از حیث معنوی تجربه می‌کنیم و گویی به جای تن دادن به پوسته این سنت، به مغز و معنای آن عمل می‌کنیم.

از سوی دیگر، توسعه شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کند تا سنت‌های اجتماعی به شکل مجازی هم برگزار شود. گرچه خود شب یلدا به عنوان یک سنت آیینی جمعی، همواره در برابر ارتباطات مجازی قرار می‌گرفت تا بر دیدارهای چهره‌به‌چهره و نفس‌به‌نفس مردم با هم تأکید کند و از آسیب‌های ارتباطات مجازی بکاهد، اما این مسائل می‌تواند به عنوان یک الترناتیو مثبت مورد استفاده قرار گیرد و خانواده‌های ایرانی از طریق دوربین‌های تلفن همراه خود در این شب دیداری تازه کنند.

گرچه حس و حال شب یلدا را نمی‌توان از طریق مهمانی مجازی بازتولید کرد، اما حفظ سلامت با فاصله‌گیری جمعی، بهتر از دور هم نشستن بر سر سفره شب یلداست. از این طریق، دست کم بخشی از کارکردهای روانی شب یلدا که شادمانی از طریق تجدید دیدارهاست، از طریق فضای مجازی امکان پذیر شود.

یلدا به معنای زایش و تولد است و حالا که امسال سایه مرگ بر این شب نشسته، بهتر است با پرهیز از دورهمی‌ها، به معنای یلدا تن دهیم و زایش را به چالش نکشیم. امسال تضمین سلامت و معیشت مردم در گرو دور از هم بودن است، نه دور هم بودن!

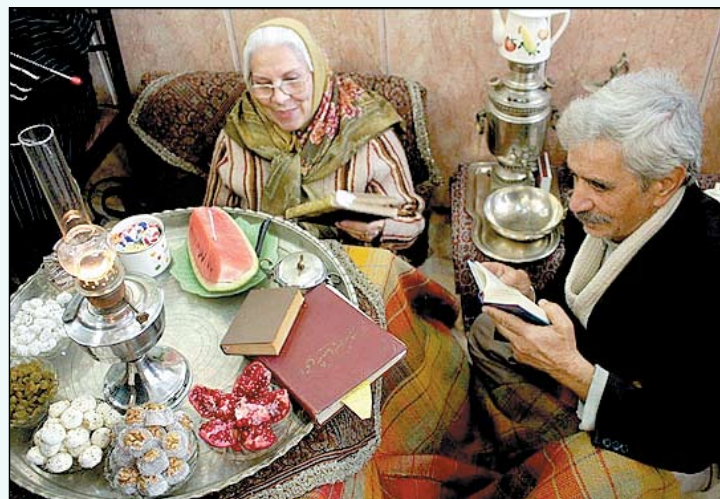
امسال به دلیل محدودیت‌های کرونایی نمی‌توانند کنار هم باشند؛ نه شب یلدا که حکمت شب یلدا برجسته تر می‌شود و فرصتی دست می‌دهد تا خرد به جای خنده بنشیند تا به جای کینه توی وحسرت و دشمنی کردن، به مهرورزی بیندیشیم و کینه‌ورزی‌های جمعی را به مهرورزی جمعی بدل کنیم.

شب یلدا روایت و حکمت مهرورزی جمعی است و این که غلبه بر سیاهی و تاریکی با وحدت و همدلی و مهربانی میسر است، نه منیت و فردیت‌های عصبی. در واقع کارکرد اجتماعی شب یلدا افزایش همبستگی اجتماعی مردم است. چیزی که امروز به آن نیاز داریم و اکنون به اقتضای زمانه، این همبستگی اجتماعی از طریق فاصله گذاری اجتماعی رخ می‌دهد.

امسال با فاصله گرفتن از هم، در واقع نزدیکی و همبستگی به هم را نشان می‌دهیم. از سوی دیگر، امسال به دلیل فشارهای اقتصادی سنگین که بر مردم تحمیل شده، شب یلدا شب پرهزینه‌ای خواهد بود و همین مسأله از جشن بودن آن می‌کاهد.

گرچه امسال به واسطه خطر کرونا، دورهمی شب یلدا ممکن است از خاطره به مخاطره بدل شود، اما این سنت به مثابه یک آیین فرهنگی و اجتماعی کهن ایرانی، واجد کارکردهایی است که می‌توان از منظر جامعه‌شناختی به خوانش آن پرداخت. ایرانیان در بلندترین شب سال، دور هم جمع می‌شوند تا پایان یک تاریکی بلند و آغاز روشنایی را جشن بگیرند. این همان شکوه امید و پایان شب سیاه است.

در اندیشه ایرانی، شب و روز نماد اهریمن و اورمزد هستند که مدام با یکدیگر در کشمکش‌اند. از آنجا که پس از بلندترین شب سال، دوباره روزها بلندتر از شب‌ها می‌شود؛ لذا در تلقی اندیشه ایرانی، روشنایی بر تاریکی غلبه می‌کند. از این رو امسال به جای پوسته این سنت، یعنی دور هم جمع شدن، می‌توان در خانه ماند و به شکل فردی درباره فلسفه این شب و نسبت آن با حال و قال این روزها اندیشید. روزگاری یاس و ناامیدی به امیدمی بدل شده و تاریکی‌ها به نبرد سختی با روشنایی‌ها مشغول‌اند. در زمانه‌ای که آدم‌ها، هم از حیث فیزیکی و هم از حیث روانی و معنوی، از هم فاصله گرفته‌اند و حالا



شب یلدا؛ شب راندن دیو تاریک کرونا

بقیه از صفحه ۲

برایمان به جا نگذاشته است. تا اینجای بازی، آنچه از دورهمی‌ها دیده‌ایم، شلوغی و هوار کشیدن و هیاهو و بلعیدن آسایش در و همسایه بوده است. این رومانی شورانگیز هیجانات البته که هیچ دخی به فرهنگ و هنر و آداب و رسوم ندارد.

شاید بهتر باشد که...

شاید بهتر باشد در این شب عزیز، تعلقات دورهمی‌مان را عوض کنیم. شاید ذائقه‌مان در پذیرش واقعیت‌های زندگی جهان امروز، مورد تفقد یلدایی روشن‌ان زمستان قرار گیرد.

یلدا، حل‌المسائل چگونه بیرون زدن از تاریکی‌هاست. اگر یلدای‌مان خلاصه عادات و تجملات دور ریز باشد، از چاه تاریک ویرانی بیرون زدن در کار نخواهد بود و ما، تاریک‌تر از یلدا، رسته‌ای از تاریکی‌های خودمان خواهیم ماند. این اصلی گمشده در زندگی معاصر ما ایرانیان است: تعلق خاطر داشتن به تاریکی. به همین خاطر یا پا در رکاب عادات، درمانده قساوت می‌مانیم و یا در تله قضاوت دیگری، از نفس می‌افتیم. به راحتی سپری شدن شب یلدایی دیگر!

بهره‌بیشتری ببریم. بهره‌ای بیش از دیدارهای ترو تمیز و روتوش شده‌مان در برابر آینه‌های تمام قد. برای ما ایرانیان که به قرن ۲۱ رسیده‌ایم، ضرورت فهم عمیق اصول زندگی، حیاتی‌ترین نیاز است.



برای ما که فلسفه‌ها را در قفسه‌های کتابخانه‌ها می‌خواهیم، این شب عزیز فرصت عزیزتر آشتی با فلسفه خوب زندگی کردن است و رها کردن جوهره شگفت زندگی‌مان از تنگنای خرافه‌ها و توهمات و رسم و رسومی است که حاصلی جز زحمات بی‌دلیل

آدم‌ها به هندوانه سر بسته مانده‌اند. بُرش که می‌خورند، ذات خود را می‌نمایانند. رعایت حقیقت یلدا، شناختن زرنگ بازی‌هایی است که ضعیف‌را ته چاه امانال شدن معطل نگه می‌دارد. از دیگر رازهای یلدا، همین تاراندن این هیولاهای زرنگ بازی در کالبد آدم‌نماها از خلوت درون‌مان است.

چراغی بر کند خلوت نشینی عبور کنیم از خطوط درهم و برهم و هم‌آورد عادات و رسوم بی‌سر و ته. اگر به پیشواز روشن‌ان جان، میزبان این یلداییم، باید که هزینه‌های پُر تجملات را کم و کمتر کنیم؛ نور ز خورشید جوی بو که برآید... دل‌سویی دان و آب‌خضر را در سبو کن... صد شب یلداست پنهان مانده کنج جان ما... دوراست کاروان هنر زینجا، شمع بیاید این شب یلدا را...

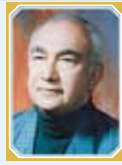
در فضیلت یلدای پرهیز

از جمله مواهب دورهمی یلدای امسال، یکی این است که می‌توانیم از هم‌نشینی با خودمان



دوستانی بهتر از آب روان
خاطرات من و سهراب

دکتر حبیب‌الله صناعتی ۹۶



در یادداشت‌های پیشین، پیرامون این مطلب نوشته‌ام. در این شعر «هبوط رنگ» رنگین‌کمانی در خاطر شاعر نمایان می‌شود که هر لحظه از سویی نکته‌ای به نظرش می‌آید و آن را با سبک ویژه خودش بیان می‌دارد. می‌دانیم رنگین‌کمان وقتی ظاهر می‌شود که همزمان ابر و آفتاب دیده شوند.

رنگین‌کمان (قوس قزح) در حقیقت از شکست نور خورشید در قطرات باران ظاهر می‌شود و به چشم کسی که پشت به طرف خورشید و روی به طرف باران دارد، نمایان می‌گردد و در واقع وجود خارجی ندارد و نمی‌شود جلورفت و آن را گرفت.

گاهی همزمان رعد و برقی هم پیدا می‌شود و ترسی ایجاد می‌کند. وقتی باران بایستد، رنگین‌کمان هم ناپدید می‌گردد. سهراب این نکات گفته شده را با تصویرسازی و شخصیت‌پردازی که هنر او است، بیان می‌دارد. می‌گوید:

«سال میان دو پلک را

ثانیه‌هایی شبیه راز تولد

بدرقه کردند.

لحظاتی چشم مشغول دیدن بود

کم‌کم، در ارتفاع خیس ملاقات

صومعه نور

ساخته می‌شد.

در میان ابرها رنگین‌کمان ساخته می‌شد.

حادثه از جنس ترس بود.

ترس

وارد ترکیب سنگ‌ها می‌شد.»

شاعر احساس ترسی از ساختن رنگین‌کمان کرده که شاید ریشه در کودکی دارد:

«جنج‌های در ضخامت خنک باد

غربت یک دوست را

زمزمه می‌کرد.»

باد می‌وزید و صدای باد یاد دوستی را به خاطر شاعر می‌آورد:

«از سر باران

تا ته پاییز

تجربه‌های کبوترانه روان بود.»

باران می‌بارید و قطرات باران پرواز کبوتران را مجسم می‌کرد:

«باران وقتی که ایستاد

منظره اوراق بود.

وسعت مرطوب

از نفس افتاد.

قوس قزح در دهان حوصله‌ما

آب شد.»

وقتی باران تمام شد، شرایط پیدایش رنگین‌کمان هم از میان رفت و قوس قزح ناپدید گردید.

چنان‌که گفته شد، شاعر در پی ارسال پیامی، توصیه‌ای، آرزویی و خواهشی نیست و تنها در اندیشه وصف رنگین‌کمان به گونه‌ای هنرمندانه است.

اتفاقاً سوژه رنگین‌کمان مورد توجه شاعران بسیاری بوده و هر کدام از آن به نحوی بهره‌برداری کرده‌اند.

به خاطر دارم چندین سال پیش شعری با عنوان رنگین‌کمان از خانم «ساراصاحب‌هنر» که به انگلیسی بود خواندم. او در آن زمان دوشیزای نوجوان و دانشجوی رشته زبان انگلیسی بود.

با توجه به این‌که نامبرده تازه مشغول آموختن زبان بود، شعرش جالب به نظر می‌رسد.

به خصوص برداشتی که از رنگ‌ها می‌کند و پیامی که ارائه می‌دهد، شایان توجه است.

ادامه دارد

کتابخانه ۵

آشنایی با رمان



محمدرضا حیدرزاده

نگاهی به رمان «برای بهی»

نوشته مژگان مظفری

غبار خیس پنجره



سینی چای که روی میز گذاشته شده بود، به من چشمک می زد. بدجوری هوس چای داشتیم. مرجان هم خوب مرا می شناخت. قبل از این که بنشینم، سینی چای را تعارف کرد. بعد از کمی تعارفات معمول، بحث آن دو خانم ادامه پیدا کرد.

اولی که می شد اقتدار را از چهره اش خواند گفت: «آی بدم میاد از این خانم هایی که ادعای روشنفکری دارند و خود رو حاکم مطلق دنیا می دونند. من واقعاً نمی فهمم چرا یک زن با داشتن دو فرزند، آن هم هشت ساله و پونزده ساله، تازه به این نکته برسه که نمی تونه با شوهرش زندگی کنه! خب خیلی بیخود کردی صاحب بچه شدی!

چرا حالا باید به این نتیجه برسی؟ میگم خب مشکل تو با شوهرت چیه آخه؟ میگه شوهر من مثل گاو می مونه! خب عزیز من،

بذار گاو باشه، تو باشی شوخ بزن و زندگی تو بکن! به نظر من، مرد جماعت می تونه توی دست زن مثل موم باشه و این هنر زنه که چه طور اون رو ورز بده. این موجودات رو راحت میشه اون جوری که دلت میخواد تربیت شون کنی.....».



رمان «برای بهی»، نوشته مژگان مظفری، توسط انتشارات پرسمان روانه بازار کتاب شده است. این نویسنده که متولد کرمانشاه است، نوشتن را به صورت آماتور از سال ۱۳۷۲ آغاز کرد تا این که اولین اثر خود را در سال ۱۳۷۸ به چاپ رساند. ظ او تا به حال بیست اثر به چاپ رسیده و بیشتر کتاب هایش تجدید چاپ شده است. از جمله رمان های: ماهک، دهل، تویی در آسمان قلبم، شاپرک ها هم می گریند، وغروب های غریب.

مژگان مظفری همچنین تاکنون دو مجموعه شعر منتشر کرده که نشان دهد در شعر هم توانایی خاص خود را دارد. داستان «برای بهی» درباره زنی به نام دلسا است که پس از گذشت سال ها و دیدار دوباره با قاتل پدرش، یاد گذشته های دور و خاطرات دلچسبی که با حامین داشته، می افتد. او که به همراه دوستش به خانه مادر بزرگ مرجان در لواسان دعوت شده، پس از رفتن به آنجا، پیام هایی از یک ناشناس دریافت می کند. متن پیام ها نشان از این دارد که یک نفر، آنها را زیر نظر گرفته است...

نویسنده همچنین در رمان خود، پایان بخش هر فصل از داستانش را با اشعار خود در آمیخته، مثل رود روانی که در آن روح لطیف برگی جاری است...

در فرازی دیگر از این رمان می خوانیم: اولین دیدار آن قدر هیجان داشتیم که می ترسیدم نرسیده بهش سکنه کنم. توی یک گالری نقاشی قرار گذاشته بودیم. کتاب اشعار شاملو را برایم هدیه آورده بود. برعکس چت هاش قیافه جدی و اخمویی داشت. ته چشم هاش اما از مهربانی برق می زد.

تمام دیدار ما فقط ده دقیقه بود و برای صدسال خاطره جمع کردم. وقتی به خانه برگشتم، مستقیم رفتم توی اتاقم. کتاب را از توی کیفم بیرون آوردم، چشم هایم را بستم و فقط بو کشیدم. بین بعضی از صفحات کتاب، گلبرگ رز سرخ و در بعضی از صفحه هات گلبرگ نیاتی گذاشته بود و هر کدام از شعرها را که می خواندم، بیشتر دلم می رفت. پیام دادم: بوی عطر تا کجا که منو پیش نمی بره....

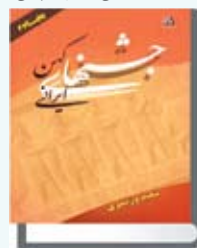


رضا محمدنیا

پرونده ای مطالعاتی و بهداشتی برای شب چله

چند کتاب یلدایی برای نشستن در خانه!

جشن های کهن ایرانی



سعید وزیری در این اثر به بررسی جنبه های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هفت جشن مهم باستانی ایرانیان (نوروز، سوری و تیرگان، جشن مهرگان، چله و سده و اسفندگان) پرداخته است و در جایی می گوید: «قصد من از معرفی جشن ها این است که ما با فلسفه وجودی هر جشن آشنا بشویم.

برای مثال همه ما جشن شب یلدا را به عنوان شب چله می شناسیم و از آن استقبال می کنیم، اما کدام یک از ما می دانیم که چرا چنین شبی را باید جشن گرفت؟»

یکی از خلاقانه های این کتاب، در همان اول دفتر خودنمایی می کند. در جایی که شعری از نویسنده به اسم «نام روزها» و در سی بیت، نام و نشان روزهای تقویم زرتشتی را می شمارد. وزیری، این شعرش را از کتاب «رنگین کمان باغ دانایی» آورده است.

او درباره یلدا می نویسد: «در میان جشن های سالانه کهن ایرانی، یلدا تنها جشنی است که در شب برگزار می شود. از ویژگی دیگر این جشن، آن است که این جشن، تنها جشنی است که در دوره تاریخی معین متولد شده است.

زیرا این جشن را ما از زمان اشکانیان به این طرف داریم و اگرچه برخی آن را جشن مهری ها می دانند، اما با جشن مهرگان که از دل کهن ترین اسطوره ها بیرون آمده است، هیچ گونه همانندی و پیوستگی ندارد.»

نوروزنامه

تألیف ارزشمند رضا مرادی غیاث آبادی، یکی دیگر از آثار درخشان ادبی است که در بردارنده مجموعه ای از مقالات درباره آداب و رسوم ایران باستان است و موضوعات بسیار متفاوت و متنوعی را شامل می شود.

اخترشناسی، گاه شماری و تقویم، جشن ها و گردهمایی ها و متون کهن از جمله موضوعات کتاب به شمار می روند.

در فصل جشن های نوروزنامه، درباره نوروز و سیزده بدر و چهارشنبه سوری و شب چله فراوان آمده است و درباره آیین های شب یلدا به دقت گفته شده است. مثلاً در جایی به جشنی شبانه و بیداری تا بامداد و تماشای طلوع خورشید تازه متولد شده است، اشاره می کند و لازمه این جشن را حضور کهنسالان و بزرگان خانواده می خواند.

خوراکی های جشن هم انار، هندوانه و سنجد به رنگ سرخ خورشید توصیف شده است.

یلدای امسال هم از راه می رسد تا ما را مهمان بلندترین شب سال کند. می گویند که در آن قدیم و ندیم ها که احتمالاً تنقلات روی دست قیمت ارز نزده بود و با حقوق کارگران برابری نمی کرد، جای پایش در سر سفره شب چله محکم بود.

مردم که آخرین شب پاییز را نحس می دانستند، سفره ای به نام «میزد» می انداختند که در آن انواع تنقلات وجود داشت. شب راقصه می گفتند و شعر می خواندند و تنقلات می خوردند تا از پس بلندترین شب سال برآیند. اندک اندک قصه ها و داستان ها جا را برای تفأل بر شعر حافظ و تفکر بر شور فردوسی باز کردند و نقش ادبیات در بلندترین شب سال پر رنگ تر شد.

مردم آن شب را با گداه های خانوادگی سر می کردند و معتقد بودند که از شب یلدا به بعد ظلمت کمتر می شود و نور بیشتر. پس باید چنین جنبشی را جشن گرفت و چنین کردند. اکنون دیگر سده ها گذشته است. جهان عوض شده است و از آن آدم ها اثری نیست. جنگ های جهانی آمدند و حکومت ها رفتند و کرونا تا به متولد شد و موبایل لعنتی آمد و جای دید و باز دیدهای خانوادگی مان را گرفت و هزار و یک گرفتاری دیگر بر این جهان گذشت؛ اما شب چله ما ایرانی ها سرچایش مانده است. سفت و محکم! حالا گاهی با پروتکل های بهداشتی و گاهی بدون آن... گاهی با بسته و بادامی که هنوز خریدش افسانه نشده بود و گاهی هم با هندوانه ای که باید با قرمزی اش جور رنگ و روی سفره را می کشید.

شب یلدا سهم بزرگی در کتاب و ادب و هنر دارد و همیشه موضوع نویسندگان و مورخان بوده است که سنت برایشان مهم بوده است و کوشیده اند تا سرپا نگاهش دارند. در این نوشتار کوشیدم تا تجربه شخصی خود از خواندن بعضی از این کتب و منابع را با شما هم به اشتراک بگذارم و خواندن آنها را به شما پیشنهاد کنم.

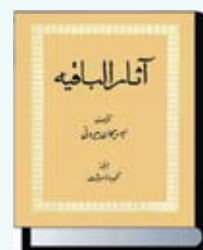
در ابتدا برویم سراغ یک منبع تاریخی جذاب که خواندنش می تواند به ما کمک کند تا سنت های شب یلدا را بهتر پیدا کنیم:

آثار الباقیه

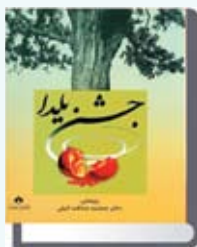
این کتاب، یکی از بهترین و مطمئن ترین منابع برای شناخت شرح حال تقویمی ملل قدیم است. ابوریحان بیرونی تلاش کرد تا افکار و احوال ملت ها

را از روی آداب و سنن شان و همینطور به واسطه تقویم شادی و غم شان بشناسد. آثار الباقیه یک مقدمه و بیست و یک فصل دارد و در آن به شرح روزها و سال ها و ماه ها و اعیاد تاریخ پارسیان، یهود، سغدیان، رومیان و مسلمانان پرداخته است.

بیرونی در آثار الباقیه، نامی از شب یلدا نمی برد، اما نشانه اش را می دهد و درباره آدابش می نویسد که در صبح روز پس از شب یلدا جشنی برگزار می شده است که در آن پادشاهان ایرانی با لباس های روشن و سپید به بیابان های اطراف می رفتند و بر فرش های سپید می نشستند و اجازه می دادند تا که هریک از مردم با ایشان گفت و گو کنند و بر سر یک سفره بنشینند.



جشن یلدا



همین که اسم دکتر صداقت کیش، پای این پژوهش است، کافی است تا با اطمینان تام و تمام خواندنش را به شما پیشنهاد کنیم.

اسم و رسم دکتر صداقت کیش برندی است که هر کتابی را خواندنی می کند و هر مجلسی را شنیدنی! روزی که برای اخذ درجه عالی از آکادمی علوم تاجیکستان به آنجا رفت، پروفسور خدایی شریف گفت که برای آکادمی علوم تاجیکستان افتخار بزرگی است که آقای صداقت کیش دکترای خود را در اینجا می گیرد و این همه احترام برای مردی که اولین دستنویسش دانشجویی اش در مجله انجمن معلمان سوئد منتشر شده باشد، تعجبی ندارد.

جشن یلدا می کوشد تا سیر تاریخی و فلسفی این رویداد را بررسی کند و در شش بخش، به آواها و فلسفه پیدایی و مراسم شب یلدا و خوراکی ها و سرگرمی ها و بالاخره باورهای عامه در این باره می پردازد. پرداختن به باورهای مردم، یکی از جذاب ترین و خواستنی ترین بخش های این نوشتار است.

مثلاً در فرازی از روایت شب چله، به رنگ قرمز خوراکی های سر سفره می پردازد و در این باره می گوید که رنگ قرمز، رنگ مورد علاقه و استفاده مهرآیینیان بوده است و از این جهت توجه ویژه ای به قرمز بودن هندوانه و انار و سنجدر شب یلدا داشته و داریم. زیرا که رنگ قرمز، رنگ شادی است.

دو پیشنهاد خاص



در میان کتاب های نویسندگان معاصر هم اگر سری به آثار علی بلوکباشی و علی خانجانی بزنید، ضرر نمی کنید. کتاب «شب یلدا» علی بلوکباشی، پر از قصه های خواندنی درباره شب یلداست و داستان را آیین و سنت های این شب پر می کند.



کتاب «فرهنگ قصه شناسی یلدا» علی خانجانی هم بسیار خواندنی است و ما را با هزاران روایت شفاهی به ثبت رسیده ایرانی آشنا می کند و هر صفحه اش، پای یک قصه شنیدنی را خانه خیال شما باز می کند.





از تمام روشنایی‌ها

حمیدرضا شاکری

خوانش شعری از ارغوان حاتم‌خان

از ایده تا اجرای شعر

«تا پرواز تهران به ونکوور
من روزی هزار بار نقشه را تا می‌کنم
تا تهران بچسبد روی ونکوور
تا من سقوط کنم
وسط دست‌هایت!»

شعر، پیش از نوشته شدن یا در حین نوشته شدن، در هر صورت قبل از پخش شدن جوهر بر روی کاغذ، در ذهن شاعر شکل می‌گیرد و حداقل شمایی کلی و البته مهم از آن ترسیم می‌گردد. البته به احتمال قریب به یقین، در بیشتر اوقات، شکل اجرا شده شعر دقیقاً همان چیزی نیست که در ذهن شاعر به عنوان پیرنگ وجود داشته، بلکه همواره فاصله‌ای کم یا زیاد بین ذهنیات شاعر و نوشته‌ها و سروده‌های او وجود دارد.

در واقع، حداقل بخشی از اجرای شعر، به گمان نگارنده، حتی پیش از زبان و کلماتش، در ذهن شاعر صورت می‌پذیرد و سپس در زبان و بر کاغذ متجلی می‌گردد. به این ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه انسان‌ها بالقوه شاعرند، اما تنها تعداد معدودی از آنها جزو اهالی زبان محسوب می‌شوند و می‌توانند به بیان عینی ذهنیات خود بپردازند (و همین امر آموختنی بودن شعر را چه بخوایم و چه نخواهیم، کم و بیش ممکن می‌سازد).

تخیل «ارغوان حاتم‌خان» در شعر کوتاهش عجیب و بلکه شگفت‌آور است، اما هیچ دلیلی ندارد که به ذهن یک مهندس نقشه‌بردار یا یک زمین‌شناس پیر (چون صاحب این قلم شکسته!) نرسد. آن مهندس و بنده اما اگر اهل قلم و کلمه نباشیم، نمی‌توانیم این تخیل را به اجرایی زبانی نزدیک کنیم. «حاتم‌خان» با گردآوری کلماتی همخون و برقراری روابط خیالی میان آن دایره واژگانی، ساختار شعر خود را تکمیل کرده است.

حالات و آناتی چون انتظار، بی‌قراری و بی‌صبری، شدت عشق و شوق دیدار از سطر سطر این شعر حس می‌شود. بدون آن که حتی یکی از این کلمات را بخوانیم و احساساتی شویم. در عوض، کلمات متن همگی در یک حوزه، یعنی حوزه فاصله و سفر و پرواز، قرار می‌گیرند و متن را همناخت و یکپارچه می‌سازند.

«سقوط» در پایان بندی شعر، شاید در ارتباط نتگانتگ با بقیه واژگان شعر باشد (که هست) اما باری منفی به دیداری حیات بخش تزریق می‌کند که نقض غرض متن است و نوعی تناقض درونی محسوب می‌شود. شاید فرود آمدن، تعبیر بهتری برای این وصال عاشقانه و خیالی باشد.

۱- پرواز تهران - ونکوور - ارغوان حاتم خان - ایچا - ۱۳۹۸

پشت سد، ژرف‌تر شدن

نگاهی به مجموعه شعر «سدها خواب آب را عمیق می‌کنند»، سروده یاور مهدی پور



● شهلای رستمی نژاد

شاعر از همه این تعابیر به صورت جداگانه در شعرهایش استفاده کرده است و در هیچ شعری خواب، به صورت تعبیر تکراری استفاده نشده است:

۱) «از خواب تو بیرون زده ام / مثل واگنی که از ریل خارج می‌شود». شاعر با معشوق بودن را مانند یک خواب زیبا دانسته که وقتی این خواب از بین می‌رود، او همانند واگنی که از ریل خارج می‌شود، به سمت نابودی می‌رود. خواب در این شعر دوران عاشقانه است.

۲) «حرف می‌زنم / راه می‌روم / می‌بینم / این خواب درست مثل زندگی است / وقت پریدن از آن تنهایم». تمام زندگی مانند یک خواب است.

۳) «درها، پنجره‌ها / شکسته می‌شوند / چشم‌هایم رنگ خواب را از یاد برده‌اند». خواب در اینجا از نگرانی بیدار بودن است و اصلاً خواب در اینجا به معنی خود «خواب» نیست.

۴) «خواب عینکی است که بر چشم می‌زنم / تا تو را نزدیکتر ببینم». خواب در اینجا خواب دیدن و رؤیاست و دنیایی که وجود ندارد.

برف:

برف در ادبیات ما را به یاد شعر زمستان اخوان می‌اندازد و سرمای ارتباط میان انسان‌ها. برف نماد سرما و زمستان و سختی است و در عین حال حس سپیدی را به درونمان منتقل می‌کند. با تمام سرمایی که نام برف دارد، تیره نیست و حسی زیباست به خوانش برف‌های باریده، در این مجموعه می‌نشینیم:

۱) «ساکت و سنگین است برف / مثل حرف‌های نگفته». برف در اینجا حرف‌های نگفته است.

۲) «از این همه آمدن تنها تویی که به من نرسیده‌ای / و گر نه برف نباریده هم بر دلم نشسته است».

برف اتفاق‌های نیامده، اما پیش بینی شده هستند. ۳) «ما برگ‌های برنده پاییزی بودیم / که دلش را به برف باخته بود». افتادن ولی برنده بودن. برف در اینجا نماد معشوق است.

۴) «دوستت دارم من مثل باد است / برف را آب می‌کند / پلی می‌شود بر رود / تا به بگذرد از چشم‌های تو». برف نماد سختی و استواری است.

مرگ:

۱) «ترک خنده ام و مرگ / قدر هوای مرا خوب می‌داند». مرگ در اینجا نماد شکست و نابودی است که هر لحظه منتظر ترکی در روح ماست که در ما رخنه کند. ۲) «و تمام تنم از مرگ است / مرگ و اندکی رؤیا».

نزدیکی هر لحظه مرگ به ما.

۳) «با همین بازی‌ها شروع شد زندگی / با همین صندلی‌ها که هرگز به تعداد ما نبود / و ما با هر سوت داور تنها تر شدیم». در این شعر نامی از مرگ آورده نشده. مرگ بی‌آن که آورده شود، به ساده‌ترین شکل تعریف می‌شود.

۴) «عشق لهجه نیست / که تا مرگ فقط از تو سخن بگوید». مرگ در این شعر فقط اشاره به زمان مرگ دارد. زمانی که مرگ فرا می‌رسد و نقش کلیدی این شعر را ندارد و معنای ظاهری اش را دارد.

با بررسی این نمادها که ظاهری یکسان اما بار معنایی و نقش متفاوتی در هر شعر دارند، می‌توانیم منکر شویم که کتاب دچار فضایی تکراری شده و این ما هستیم که باید مخصوصاً در خوانش شعر، آن هم شعر کوتاه که برای هر کلمه اش بیشتر از شعر بلند دقت می‌شود، باید حوصله و وقت بیشتری به کار ببریم.

۳) «و جای خالی ماه / زیر پلک‌هایم / تا باد باقی ست». ماه در اینجا نماد معشوقه‌ای است که کامل است و زیباست.

زخم:

۱) «من زاده زخم‌های توام / چون قطره خونی که در هوای آزاد خشک می‌شود / درد اگر نبود / گل سرخی بودم / معنی دیگری می‌دادم». زخم نماد درد عشق است.

۲) «رؤیاهای من سربازان جنگ‌های بی‌شمارند / پسرکان مه‌آلود عریان / با زخم‌های سرخ / چه زیبا / به خواب‌های من بازگشته‌اید». زخم نماد رؤیاهای نا کام است.

۳) «این قایق بی‌بادبان بی‌پارو / در سیاهی زخم‌هایی که لب گشوده‌اند / فرو خواهد شد». زخم‌های لب گشوده نماد غم‌های فراموش شده‌ای که دوباره تکرار یا یادآوری می‌شوند.

باد:

۱) «مثل باد است / دوستت دارم من / می‌آید / می‌رود / برگ‌ها را جمع می‌کند تا برای تو آتشی به پا کنم...». باد نماد تکرار حضور و خودنمایی عاشق برای معشوق است.

۲) «دل‌داری ام می‌دهد باد / با برگ‌ها و شاخه‌ها / و من دور می‌شوم از تو...». باد نماد طبیعتی است که به انسان کمک می‌کند که از اندوهی دور شود.



۳) «باد تمام جوانی من بود / که دست بر دهان مرگ نهاده و می‌رفت». آوردن باد زودگذر بودن عمر و جوانی را تداعی می‌کند. عمری که در اوجش با مرگ مبارزه می‌کرد.

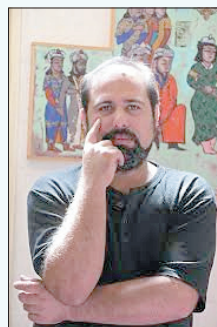
۴) «آتشی که تو ترک می‌کنی / تن به آغوش بادها خواهد سپرد». باد در اینجا فناشدن است.

۵) «هدر رفته ایم / و باد / بیهوده در این کوچه‌ها پر سه می‌زند». از باد برای تداعی گردش بیهوده و عملی بیهوده کمک گرفته شده است.

خواب:

چه زمان‌هایی کلمه خواب را در حرف‌های روزمره مان به کار می‌بریم؟ خواب به معنای استراحت، خواب دیدن، خواب به معنای رؤیا، خواب به معنای رؤیایی که به واقعیت نمی‌پیوندد.

باد، مه، ماه، خواب و دل دل ریسمانی که دیگر باد را کلافه نمی‌کند، همه موج می‌زنند و ته‌نشین می‌شوند در عمق آبی که سدها خوابش را عمیق کرده‌اند در مجموعه شعر «یاور مهدی پور» با عنوان «سدها خواب آب را



عمیق می‌کنند».

نام کتاب و طرح جلد ساده و مرتبط با فضا و نام کتاب، خواننده را جذب می‌کند. با خوانش هر شعر، ناخودآگاه دستت را در دست شعر بعد می‌گذاری و می‌خوانی تا انتهای کتاب. فضا همچنان برگرفته از طبیعت و دنیای ملموسی که روزانه با آن مواجه هستیم و درک و لمسش می‌کنیم. مهدی پور را می‌توان شاعر روزها و لحظه‌ها دانست. او با حس هر روز خود و برداشت روزانه خود از زندگی، شعر می‌نویسد:

«هر روز من

رودخانه‌ای است

که از تو آغاز می‌شود

و در تو خواهد ریخت»

شاعر با کمک گرفتن از المان‌هایی که با روح شاعرانه و قلمش خو گرفته‌اند، می‌نویسد. چون شاعر در این فضاها حل شده، به راحتی با آنها ارتباط می‌گیرد و همزادپنداری می‌کند و در عین سادگی، معانی فلسفی عمیقی را می‌آفریند. شاید با خوانش کلی کتاب، مخصوصاً مخاطبان عام، این نکته را احساس کنند که کلمات و فضاها گاه تکرارند و همین ذهنیت به من انگیزه نوشتن در مورد این را کتاب داد.

با هم به خوانش شعرهایی می‌پردازیم که ظاهراً کلمات یکسانی دارند و بررسی می‌کنیم که آیا با نگاهی موشکافانه تر به این حس تکرار و این که این کتاب فقط از چند کلمه تشکیل شده که با آنها بازی‌هایی در حد جابه جایی شده می‌رسیم یا نه؟ کلماتی مانند: مه، ماه، خواب، برف و... که بیشتر از کلمات دیگر در این مجموعه آمده‌اند.

مه:

در ادبیات نماد ندیدن فراسو و ابهام است. پیش رفتن بدون دانستن و دیدن حتی اندکی از پیش رو است. و حالا بررسی کلمه «مه» در چند شعر این کتاب:

۱) «پشت کدام پنجره انتظار مرا می‌کشی / که مه را بتکانی از دلم». مه نماد شک و تردید است.

۲) «این سطرها این صخره‌ها / این‌ها گفته‌های مه‌آلود من اند...». مه نماد حرف‌های نگفته است.

۳) «من از مه می‌ترسم / تنها امید من این ماه است...». مه نماد ندیدن و ابهام و مجهول بودن آینده است، ترس از آینده.

۴) «دستی که بر شانه ات دراز می‌شود / مه‌ای است که من آه کشیده بودم...». مه نماد حسرت است.

ماه:

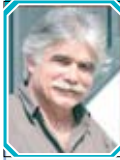
۱) «تنهایی همین حالا / با ماه کامل می‌شود...». همیشگی بودن تنهایی را نشان می‌دهد مانند ماه است بزرگ و کوچک می‌شود اما همیشگی ست.

۲) «می‌آییم / می‌رویم / پلی است میان دو اندوه زندگی / و ماه / به تماشای مورچگانی نشسته است / که دانه دانه / در مه گم می‌شوند». ماه نماد بزرگی جهان آفرینش است.

نگاهی به یک مجموعه جدید در حوزه نشر کوتاه طنز

دن گول و مشنگ نباشیم!

• اکبر اکسیر



خواننده محترم دن گول!

«دن گولیسم» یک معضل نامرئی روانی-شخصیتی است که ما را در نظر دیگران، سبک جلوه می‌دهد. مجموعه حاضر، روایت طنز آمیز یک دن گول آستارایی از حرکات دن گولانه افراد است. چاپ و انتشار این مجموعه، تلاشی است در شناخت این خصیصه مذموم تا رفتارهای دنگولانه خود را بشناسیم و بیش از پیش، تحقیر نشویم. «دن گول» در آستارا به افرادی اطلاق می‌شود که کردار و گفتار سبک‌سرانه از آنها سر می‌زند.

ملیحه

(همسر) به شوخی می‌گوید: «همان دانه گل است!» اما دوست پژوهشگر، بهرام می‌گوید: «دن گول کسی است که یک دانگ کم دارد.» در زبان‌های مختلف و در بین اقوام گوناگون، نام‌های مختلف دارد:

سبک عقل، دَبَنگ، شیرین عقل، مَشَنگ، دم‌شنگ، و یون گول و من که این کلمه را به چالش کشیده‌ام، خود یک دن گول زاده اصل هستم و با خانواده‌های محترم دن گولیان، دن گول‌نیا، دن گول زاده، دن گول نژاد، دن گولی مقدم، بنی دن گول و دن گول پور نسبت فامیلی دارم. چون دن گولی من ژنتیکی است، قابل اصلاح نیست. از کودکی تا امروز، نمونه‌های فراوانی از دن گولیسم را به‌طور عملی نشان داده‌ام و چون همواره طنز نهانی در کلمات و حرکاتم موجود است، دن گولی من به طنزازی تعبیر شده است. فقط ملیحه می‌داند که یک من فرا دن گولم!

من اول خیال می‌کردم دن گولی صفت ویژه‌ی افراد خُل و چُل، لوس و بی‌مزه و ... است. اما با مشاهدۀ حرکات سبک بعضی از بزرگان متوجه شدم آدم‌های عاقل، تحصیل کرده، صاحب‌منصب و بسیار جدی نیز در موقعیتی خاص، دن گول می‌شوند.

دن گولی نوعی ویژگی شخصیتی - روانی است. لذا حرکات غیرمترقبه، متفاوت و غیرعادی اشخاص، زود به چشم می‌آید و تقبیح می‌شود. یادمان باشد: طبق قانون بقای انرژی، دن گولی در افراد از بین نمی‌رود، بلکه از

شکلی به شکل دیگر درمی‌آید.

دغدغه کتابی با عنوان «دن گولی» بدجوری عذاب می‌داد. از خدا پنهان نیست، از شما چه پنهان، شاید با نشان دادن نشانه‌های دن گولی، خود را بهتر بشناسیم. دن گول بودن، شاخ و دم ندارد و اگر کمی دقیق و صبور باشیم، دن گول‌ها خودشان را یک یک معرفی می‌کنند.

در ادامه، فقط چند نمونه از این دن گول‌ها را خدمت شما معرفی می‌کنیم که هم مصداق مشت نمونه خروار است و هم نمونه‌ای از متن طنزآمیز کتاب:

* خروس

در سالن پزشک متخصص نشسته‌اید. تابلوی هیس، سکوت مرگباری را تحمیل کرده است. ناگهان گوشی دن گول با صدای خروس زنگ می‌زند: قوقووووو!

* مولوی

به احترام استاد، کلاس سراپا گوش است. استاد از مولوی می‌گوید و می‌رسد به غزلیات شمس: زنده بدم مرده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم در حین خواندن با دست‌هایش روی میز ضرب می‌گیرد: دیم دارا دام/ دام دیرا دام...

و استاد دن گول می‌شود!

* عروس

در هیاهوی مهمان‌ها، خیلی متین کنار داماد نشسته است. یک ساعت می‌گذرد، متانت عروس خانم ادامه دارد. ناگهان سکینه دایی قزی، لای لای نواخته می‌شود. دن گول کفش‌هایش را در می‌آورد، وسط سالن می‌پرد و به هیچ کس هم امان نمی‌دهد.

* کلیس

دن گول در هر لباس و اونیفرمی که باشد، شناخته می‌شود. سرباز باشد یا پلیس و پرستار و عروس، فرقی نمی‌کند. در اورژانس نشسته‌ایم. دن گول می‌آید. بعد از چند دقیقه، ادامه کلیس و روسری‌اش وارد می‌شود.

* همدردی

تعمیرگاه‌چی دن گول با لباس کار چرب‌وچیلی و دست‌ان سیاه وارد مجلس ترجیم شد. تسلیت‌گویان صاحبان‌عزا را بغل کرد، دست داد و بوسید. از سر و صورت و لباس بازماندگان تا فرش و استکان مسجد، همه جا را گریس کاری کرد.

بعد بی‌عرض معذرت خود را به زور بین من و دوستم جاداد. چند خرما خورد، گاز داد و رفت.

باور بفرمایید تا چهلم آن مرحوم، ما بوی گازوئیل می‌دادیم.

از فرمایشات ما!

شب یلدایی که کرونا نبود!

• رضا رفیع



شب یلدای آن سال اگر کسی می‌گفت که چند سال دیگر وپروس لا کرداری خواهد آمد که در شب یلدای سال ۹۹ دیگر نمی‌توانیم مثل همیشه دور هم جمع شویم و بگویم و بخندیم؛ همگی به او می‌خندیدیم و صبح می‌بردیمش پیش دکتر!.... اما سالها گذشت و بالاخره حرف‌های او سر ما سبز شد و خودمان رفتیم دکتر!

یادش به خیر؛ آن سال شب یلدا، هرچقدر بیرون خانه‌ها هوا بس ناجوانمردانه یخ بود؛ داخل منازل اما از شدت گرمای کانون داغ خانواده داشت می‌ترکید. به طوری که سیستم گرمایشی خانه، خودش خودسرانه روی شمعک می‌رفت، تا باز بر اثر تعریف جوکی چیزی، هوای خانه که یخ می‌کرد؛ سیستم گرمایشی منزل دوباره وارد عمل می‌شد. ما هم که به رسم اسلاف و نیاکان عزیز خویش و نیز به جهت احیای سنت‌های قشنگ گذشته، تا خرخره در زیر کرسی فرو رفته بودیم خود را، چه، جد بزرگ ما همیشه در آستانه شروع فصل زمستان کرارا به تیره و ترکه فهمیم خود می‌فرمود:

در زمستان اگر ز من پرسى
شب چله بزرگ، استقبال از یلدا به حدی بود که

بنا به موافقت مراکز رسمی کشور، شب یلدا تا پاسی از نیمه شب تمدید گردید. منزل ما چنان فجع شلوغ بود که جای سوزن انداختن نبود. شتر با بار و اضافه بارش گم می‌شد. صدای پدر بزرگ که بلند شد، سرو صداها کمی خوابید. پدر بزرگ، لپ تاپش را باز کرده بود و از طریق شبکه گول، دیوان حافظ را سرچ کرده و تفالی به آن زده بود:

بر سر آنم که گرز دست برآید
در گوشه‌ای از کرسی، الهام و غزاله، نوه‌های دختری آقاجان، داشتند بلوتوث بازی می‌کردند. الهام داشت یک فیلم کوتاه سالم از سگی که به همراه پدرش کالباس می‌خورد، برای خواهرش بلوتوث می‌کرد. آن سوی کرسی، اما مادر بزرگ هم لبخندی ملیح روی لب داشت. ظاهراً بلوتوث مادر جان هم روشن بوده است. صدای مهربان آقاجان، هندوانه و انار و آجیل روی کرسی را خوردنی تر می‌کرد:

دیو چو بیرون رود، فرشته درآید
خلوت دل نیست جای صحبت اغیار
احمد آقا و بانقاش محمود، در فضایی آکنده از عشق و صمیمیت و تفاهم، داشتند راجع به بالا رفتن قیمت مسکن و متراژ خانه‌ای در خیابان فرشته صحبت می‌کردند. گویا یک مقداری پول و پله کم داشتند. مهدی آقا، بانقاش قلچماق دیگر از همان حاشیه کرسی یواشک به آن دو نزدیک شد و با بیرون آوردن دسته چک بی‌محلش گفت: بقیه اش با من!... آقاجون همچنان گرم حافظ خوانی: صحبت حکام، ظلمت شب یلداست

اسماء، نوه دیگر آقاجون، داشت راجع به گران شدن ماشین زانتیایش بعد از کاردتی شدن بنزین، توضیحات مبسوطی به دایی مهدی اش می‌داد و دایش به او می‌گفت: ای بابا، این چار روز دنیا را با یک ماکسیمای فکسنی هم می‌شود طی کرد. زانتیا هم نبود، مهم، طراحی و مهندسی لبخند است که اخیراً برخی از دندانپزشکان و پزشکان زیبایی، راجع به آن حرف‌های قشنگی زده‌اند!... با اشاره عمو جواد، نگاه هر دو به سمت آقا جان برگشت:

بر در ارباب بی مروت دنیا
در منتهی الیه سست چپ کرسی نیز هدی، نوه دوم آقاجون، یک هندس فری در گوشش فرو کرده بود و دستگاه ام پی تری پلیرش را هم زیر لحاف کرسی قایم کرده بود. روسری اش کمک می‌کرد که آقا جون متوجه هندس فری اش نشود. اما من که پهلویش نشسته بودم، گاهی صدای گوشی اش به حساب مفتوح گوشم واریز می‌شد: تو خودت قند و نباتی!... شکلاتی شکلاتی!... شیرینی به دل می‌شینی!... البته گاه نیز یواشک گوشی را کنار می‌زد و به صدای آقاجونش دل می‌سپرد:

تا که قبول افتد و چه در نظر آید
سیل پیامک‌های ارسالی از سوی دوستان هم عمو رضا امجال کنار گذاشتن تلفن همراهش نمی‌داد. مجرد بود و بی همراه آمده بود. دلش به همین اس ام اس‌ها خوش بود. یکی از آنها را از زیر کرسی به من نشان داد. طرف (بوالفضول الشعراء) از ارومیه احوالپرسی کرده و در ادامه نیز از خودش شعری در کرده بود که با هم آهسته خندیدیم. شعرش در راستای تقارن عید قربان با شب یلدا بود که جهت ثبت در تاریخ ادبیات کشور، ذیلاً تقدیم می‌گردد:

شب چله تو را مهمان شد امشب
دل شاد و لب خندان شد امشب
مبارک بادت این جشن عروسی
که یلدا همسر قربان شد امشب!
خوشتان آمد!... راستش ما هم خوشمان آمد. فلذا چون دیدیم اکثر اس ام اس‌ها سالم و منطقی بر موازین لازم است؛ از عمو رضا خواستیم که یک فقره پیامک دیگر هم در این شب لبخندهای بی پایان نشان مان دهد. عمو رضا هم لبخندی از سر رضایت زد و گفت: بیا، این هم ابراز احساسات بی‌ساسات یکی از اجله اصدااء شاعر مسلک ما (معروف به مرد رند) که در راستای ما همین امشب از طبع خوش طبع خودش در نموده است:

ای دوست، فراموش مکن یارانت
اشکم شده چون انار از هجرانت
یلدای دراز و سرد آمد از راه
رخصت بده امشب بشوم قربانت!
به آقاجون نگاه کردم. پرشور و حال داشت همچنان حافظ قرانت می‌کرد. صدای آقا جون در لابه لای سمفونی شماره یک محفل انس مان که آمیزه‌ای از صدای آجیل و تخمه‌های شب چله بود، گاهی اوقات گم می‌شد. سمفونی شماره دو هم صدای گاه و بیگاه موبایل‌های موجود بود که به لطف و همت شرکت مخابرات، تا زیر کرسی آتنن می‌داد. با این حال آقا جون گوشش بدهکار این چیزها نبود:

بلبل عاشق، تو عمر خواه که آخر
باغ شود سبز و شاخ گل بر آید

تبسم و تفکر

 در شب یلدا
نیازمندان را
دریابیم...


* متولد ۱۳۵۲ — چهارم

* نماینده فدراسیون بین المللی کارتون و کاریکاتور FECO در شهر چهارم

* کسب مقام اول و جوایز متعدد از بیش از ۳۰ جشنواره داخلی و خارجی

سعید صادقی



چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۲۵ آذر ماه ۱۳۵۹ (برابر با ۸ صفر ۱۴۰۱ و ۱۶ دسامبر ۱۹۸۰) نقل شده است.

عراق در کوت بندر عقب نشینی کرد

اطلاعیه شماره ۳۳۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

بسمه تعالی - ملت مسلمان و آگاه ایران، برادران شما در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با همگامی و همراهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر نیروهای مردمی در دفاع از میهن اسلامی ایران از جان مایه می گذارند و دلیرانه حماسه آفرینی می کنند. بخشی از عملیات این جانبازان در ۲۴ ساعت گذشته برابر آنچه تا است: ۱- بامداد امروز ۲۴/۹/۵۹ تویخانه نیروهای اسلام مواضع دشمن را در منطقه «کوت بندر» زیر آتش قرار داده و ساختمان تیم کنترل دیده بانی دشمن را منهدم ساخت، به نحوی که دیده بانان عراقی مجبور به عقب نشینی شدند.

مواضع دشمن از زمین، دریا و هوا کوبیده شد

جنگ با همه قدرت در جنوب و غرب کشور ما، علیه کفر و ظلم ادامه دارد و طی دو روز گذشته، باز هم رزمندگان دلیر جمهوری اسلامی در جبهه مواضع تازه ای به دست آوردند و بابرتری محسوس، به تحلیل دشمن پرداخته اند. غروب دیروز، بار دیگر، مزدوران عراقی مناطق مسکونی دزفول را با آتش تویخانه هدف گرفتند. به گزارش خبرنگاران نبرد در غرب کشور به طور پراکنده ادامه دارد و در بعضی از جبهه ها شدت بیشتری یافته است. در جبهه گیلانغرب و زلزرد در بیست و چهار ساعت گذشته نبرد از زمین و هوا ادامه داشت و طی آن خسارات و تلفات چشمگیری به نیروهای دشمن وارد آمد.

درباکسازی کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی تجدیدنظر می شود

در رابطه با تجدیدنظر نظر در پاکسازی ادارات، از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی اطلاعیه ای به شرح زیر صادر شد: نظر به اینکه اعتراضات افراد پاکسازی شده وزارت امور اقتصادی و دارایی در هیئت تجدیدنظر تحت بررسی است. خواهشمند است این عده هر چه زودتر آدرس و شماره تلفن خود را به دفتر هیئت تجدیدنظر پاکسازی، خیابان ناصر خسرو وزارت امور اقتصاد و دارایی، حوزه وزارتی، طبقه ۲ اتاق ۳۵۳۱۱۸۳۲۵۳۱۱۸ اطلاع دهند تا از ایشان دعوت کتبی جهت ادای توضیحات مربوطه به پرونده به عمل آید.

کارخانه آردسازی «شمس آذر» در تبریز مصادره شد

تبریز - خبرنگار اطلاعات: دادگاه انقلاب اسلامی تبریز با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که کارخانه آردسازی «حاج علی اصغر شمس آذر» سرمایه دار سرشناس تبریز به نفع مستضعفین مصادره شد.

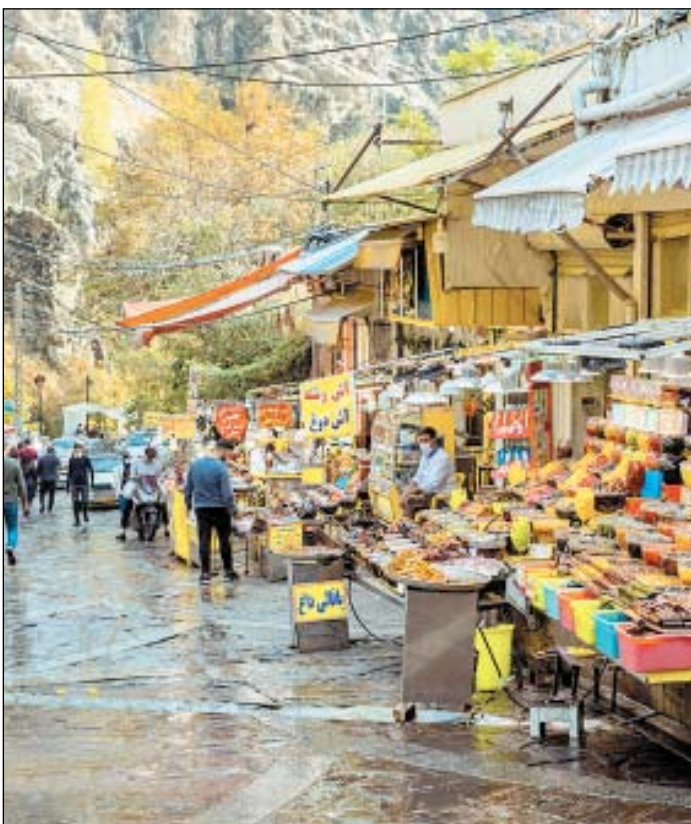
روز پنجشنبه در سراسر کشور عزای عمومی اعلام شد

در پی حوادث اخیر و توطئه هایی که در قم، تهران، مشهد و اصفهان علیه روحانیت مبارز صورت گرفت، و منجر به اهانت به مقام شامخ ولایت فقیه شد، حضرات آیات سیداسدالله مدنی عبدالحسین دستغیب و محمد صدوقی اطلاعیه هایی در رابطه با این حوادث منتشر کردند. در بخشی از این اطلاعیه ها آمده است: حوادث اخیر قم و تهران و مشهد و اصفهان که تلاش مذبوحانه ای در جهت جدائی روحانیت مبارز از مردم مسلمان است، چون گذشته محکوم به شکست است مردم رشید و قهرمان و مسلمان تبریز و همدان به منظور محکوم کردن توطئه های جنایتکاران جهانخواه، در این شهرها، روز پنجشنبه ۲۷/۹/۵۹، روز وحدت روحانی و دانشجو تجدید بیعت با امام امت و پیمان با روحانیت مبارز بازارها و مغازه های خود را تعطیل و با راهپیمائی و شعارهای کوبنده، همه نقشه های شیطانی را محکوم می نمایند و ...

آیت الله طاهری از اصفهان مهاجرت کرد

آیت الله سید جلال الدین طاهری امام جمعه اصفهان، دیروز با صدور اطلاعیه ای به نشانه اعتراض به اسائه ادب و بی حرمتی نسبت به مقام شامخ ولایت فقیه، از اصفهان مهاجرت کرد. در بخشی از این اطلاعیه ضمن اعتراض به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز اصفهان که چنین مراسمی را منتشر کرده است و همچنین درخواست تعقیب جریان از سوی دادگاه انقلاب، آمده است: ... اینجانب با دلی پر از درد و قلبی آکنده از غم و غصه به مردم عزیز اصفهان، اعلام می کنم که نمی توانم در این شهر بمانم و شاهد این ماجراهای حساب شده باشم.

قاب امروز



پاییز هزار رنگ - در بند تهران / عکس از: مصطفی رودکی

سرایه

عالم اگر از بهر تو می آرایند

مگر ای بدان که عاقلان نگرایند

بسیار چو تو روند و بسیار آیند

برای نصیب خویش کت برآیند

خیام

پند بزرگان

به زیبایی بیندیش، نه برای انگیزش،

که در جهت تعالی. زیبایی به هر جا

آرامش می آورد، چه دست ساز انسان

و چه طبیعی.

پاول ویلسون

امروز در تاریخ

دکتر مصدق به مجلس پیشنهاد کرد صنعت نفت ملی شود

۲۵ آذرماه ۱۳۲۹، دکتر مصدق نماینده اول تهران و ده تن از یارانش به عنوان اعضای کمیسیون نفت گزارش خود را به مجلس دادند و پیشنهاد کردند که قرارداد سال ۱۹۳۳ ایران و انگلستان لغو و صنعت نفت ایران ملی و در دست دولت قرار گیرد و درآمد این ثروت ملی صرف عمران، پیشرفت کشور و ارتقاء سطح زندگی و رفاه ایرانیان شود.

در پی اعلام این طرح و از روز بعد تشکیل اجتماعات و ایراد نطق ها و انتشار مقالات به پشتیبانی از آن آغاز شد.

تأسیس حزب ایران نوین

۲۵ آذر ۱۳۴۲، حسنعلی منصور حزب ایران نوین را تأسیس کرد و جمعی از مقامات وقت به آن پیوستند. وی از اواسط دهه ۱۳۳۰ و از زمانی که دبیر شورای عالی اقتصاد بود انجمنی از دوستان خود به وجود آورده بود که در خانه اش در خیابان ایرانشهر تشکیل جلسه می دادند. این انجمن به تدریج دارای اساسنامه شد و پایه حزب ایران نوین قرار گرفت. امیرعباس هویدا از اعضای ردیف بالای حزب ایران نوین بود که پس از ترور حسنعلی منصور ریاست دولت را به دست گرفت.

ایجاد زمینه برای تأسیس تلویزیون دولتی در ایران

۲۵ آذرماه ۱۳۴۲، دولت از اداره انتشارات و رادیو خواست در زمینه ایجاد تلویزیون دولتی بررسی و مطالعه جدی کند. در آن زمان در ایران تنها دو فرستنده تلویزیون (غیر دولتی) وجود داشت. در سال ۱۳۴۴، امیرعباس هویدا، نخست وزیر وقت، اجرای تصمیم آذرماه ۱۳۴۲ را بر عهده رضا قطبی گذارد و تلویزیون دولتی از سال ۱۳۴۵ آغاز به کار کرد.

اجرای نظام نوین آموزش و پرورش در ایران

۲۵ آذرماه ۱۳۴۷، وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که اجرای «نظام نوین آموزش و پرورش کشور» قطعی شده و با اجرای این نظام؛ تحصیلات عمومی که شامل دو دوره شش ساله است به سه دوره تبدیل خواهد شد: ابتدایی ۵ سال، راهنمایی تحصیلی ۳ سال و متوسطه ۴ سال. قبلاً و در سال ۱۳۴۵ هدف و برنامه های این نظام به صورت یک کتابچه برای اصحاب نظر، کارشناسان مربوط و معلمان ارسال شده بود تا نظر خود را به کمیسیون مربوط بفرستند.

www.iranianshistoryonthistoday.com

سودوکو

۲۹۰۵

۹		۶	۸	۷				۱
۸	۷		۵	۱				
۲	۶		۸	۵				
	۹	۲	۴	۳				
		۴	۷	۹	۸			
		۱	۴		۵	۶		
۱			۳	۲	۷			۹

۹	۳	۶	۱	۴	۷	۲	۵	۸
۱	۴	۷	۲	۵	۸	۹	۳	۶
۲	۵	۸	۹	۳	۶	۱	۴	۷
۳	۶	۱	۴	۷	۲	۵	۸	۹
۵	۸	۹	۳	۶	۱	۴	۷	۲
۶	۱	۴	۷	۲	۵	۸	۹	۳
۷	۲	۵	۸	۹	۳	۶	۱	۴
۸	۹	۳	۶	۱	۴	۷	۲	۵
۹	۳	۶	۱	۴	۷	۲	۵	۸

حل ۲۹۰۴

جدول شرح در متن

۵۴۱۸

غلامحسین باغبان

آفریده شده استان و جنس	دانش از عناصر شیمیایی	وسيله نوشتن	حل جدول ۵۴۱۷
۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
۳۴	۳۴	۳۴	۳۴
۳۵	۳۵	۳۵	۳۵
۳۶	۳۶	۳۶	۳۶
۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
۴۴	۴۴	۴۴	۴۴
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
۴۷	۴۷	۴۷	۴۷
۴۸	۴۸	۴۸	۴۸
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۱	۵۱	۵۱	۵۱
۵۲	۵۲	۵۲	۵۲
۵۳	۵۳	۵۳	۵۳
۵۴	۵۴	۵۴	۵۴
۵۵	۵۵	۵۵	۵۵
۵۶	۵۶	۵۶	۵۶
۵۷	۵۷	۵۷	۵۷
۵۸	۵۸	۵۸	۵۸
۵۹	۵۹	۵۹	۵۹
۶۰	۶۰	۶۰	۶۰
۶۱	۶۱	۶۱	۶۱
۶۲	۶۲	۶۲	۶۲
۶۳	۶۳	۶۳	۶۳
۶۴	۶۴	۶۴	۶۴
۶۵	۶۵	۶۵	۶۵
۶۶	۶۶	۶۶	۶۶
۶۷	۶۷	۶۷	۶۷
۶۸	۶۸	۶۸	۶۸
۶۹	۶۹	۶۹	۶۹
۷۰	۷۰	۷۰	۷۰
۷۱	۷۱	۷۱	۷۱
۷۲	۷۲	۷۲	۷۲
۷۳	۷۳	۷۳	۷۳
۷۴	۷۴	۷۴	۷۴
۷۵	۷۵	۷۵	۷۵
۷۶	۷۶	۷۶	۷۶
۷۷	۷۷	۷۷	۷۷
۷۸	۷۸	۷۸	۷۸
۷۹	۷۹	۷۹	۷۹
۸۰	۸۰	۸۰	۸۰
۸۱	۸۱	۸۱	۸۱
۸۲	۸۲	۸۲	۸۲
۸۳	۸۳	۸۳	۸۳
۸۴	۸۴	۸۴	۸۴
۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
۸۶	۸۶	۸۶	۸۶
۸۷	۸۷	۸۷	۸۷
۸۸	۸۸	۸۸	۸۸
۸۹	۸۹	۸۹	۸۹
۹۰	۹۰	۹۰	۹۰
۹۱	۹۱	۹۱	۹۱
۹۲	۹۲	۹۲	۹۲
۹۳	۹۳	۹۳	۹۳
۹۴	۹۴	۹۴	۹۴
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵
۹۶	۹۶	۹۶	۹۶
۹۷	۹۷	۹۷	۹۷
۹۸	۹۸	۹۸	۹۸
۹۹	۹۹	۹۹	۹۹
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰